

بوشهر

وقایع نگار جبل‌الین می‌نویسد - جناب سالار معظم حکمران - حاج میرزا قاسم که از حکام با دانش و سیاست بود و درین سفر سال حکومت - خلیج فارس را با کمال انشخص و سعادت با اهالی نمود - بواسطه تبدیلی که در نوروز بنا بود داده شود و جمیع حکام را طلب کرده بودند ایشان نیز طلب شده شایده عمداً قصد بان گشتن به بوشهر ندارد - فعلاً از طرف خود موقرالذوله کارگذار بوشهر را نیات داده‌اند - موقرالذوله هم قصد توقف در بوشهر ندارد شایده از بوم ورود علاوه استماع میدهند - بوم جمعه یا شعبه حساب سالار معظم نعل مکل نموده از بوشهر بطریق شیراز حرکت خواهند نمود - لندک اندک بار افرار سر بیرون آورده طایه زحمت اهالی شده اند - بچون قانون عمومی در دست حکام بیعت هر حکومت با وراثت و تدبیری هم که بخانی فرستاده شود تا وقتیکه حاکم است کارها مانند ارض و بوق - حرام میگردد همین که حرکت کرد گویا حسن انتظام و امنیت و آسایش اهالی نیز باوی کوچ بیناید بولی حکامی که تحت قانون اند چون حاکم حقیقی قانون است که حکم عمومی پادشاه میباشد هرگز در تبدیل حکام وضع حکومت تبدیل و تغییر نمیداند آنچه شهرت دارد جمیع حکام محال بود در دلترا قانون اساسی دولت حرکت خواهند کرد - و این سال جدید را ایرانیان در تواریخ خود با آغاز ترقی و خوشبختی خواهند داشت آنچه شدنی است با جهد سیزده محرم تاگرافاً خبر خواهند داد و نگارنده برای درج در نامه مقدم عرض خواهد نمود اهالی بوشهر از سبک حکومت و وضع بی‌طمعی سالار معظم خوشنود بودند و از حرکت ایشان ملول و محزونند

ترقیات سرمایه ملت و دولت

زایون

چون امروز روز ابواب همه گونه ترقی از برکت

فداء اسرار شد و بخدا می‌گفتیم (اثر شوق و پاران ترقی کرد و بوشهر را این زمین و مبرسه است نائل نکرده (۱۰۸۸)

همه میدانید که این دوره گذشت است که اسبان بدون علم و سیاست امور زندگی خود نواند برآمد چه جامعاً که ترقی کند امروز روز بودن گوی علم در میدان مسابقت ملل مایه امتحان و افتخار گردیده - ماها که ملت و مذهب قدیم و برای دولت مستعد و شاهنشاه ترقی خواهیم لازم است رجوع بتواریخ احوال گذشته اسلاف بخوریم نموده از جلال و بزرگواری آباء خویش یاد نماییم -

از تیشا و کله در و دیوار شکسته

آثار بدید است سنیا دیر عجم را

و فرزند با خلف نشویم که در حقشان بزرگان گفته‌اند

بسی تو ندارد نشان از پدر

تو بیگانه خواهی بنخواستش پسر

مرا در این اقدام نه تشکر گوئید به اطهار امتنان

کفید تشکر ازین امتنان بچون آن است که در ترقیات

این مدرسه و همین می و اقدام نماید - و اناس بقای

اورا بهر تدبیر که میدانید میتوانید فراهم آرید - و

من آنچه را در مقدرت خود بیم در همراهی با

شاهما حاضریم - اولی جمیع من در حد و کلکتند بنسبم

و عمل این گونه خدمات طیه را بکنفر مؤید الاسلام کافی

نمواند بود جناب مستطاب مؤید الاسلام با آنچه مشاغل

شخصیه و نوعیه که دارند و همه میدانید تا امروز جمیع

این خدمت نوزاعات ملی را متحمل بوده و مستند فقط

من و جناب مستطاب آقا شعلی الما مؤید و عهد ایشان

بوده ایم و بنگران حور حقیقت شراکت معنوی و روحانی

داشته‌اند و اینها را می‌کنم از جمیع اعطای انجمن که

جناب مستطاب مؤید الاسلام را تنها نگذارده و در جرات

ایشان را هر چه بماند فعلاً بخدمتی که از کلکته عبور را

خارج می‌شوم انجمن و مبرسه را - شاهما در چرخه و

شاهما را نیز بخفا می‌سپارم

علوم و فنون متنوعه بروی جمیع اقوام و ملل باز است  
 ترقیاتی که در قرون ساله در یک قرن که عبارت است  
 از صد سال تحصیلش میسر نبود. درین ایام بدون شایبه  
 اغراق گونی در عرصه ده سال میتوان حاصل نمود -  
 دلیلی نیز از ترقیات ژاپون برای این نشان مدهی  
 نمیدم

هرکس از حالات اقوام و ملل اطلاع دارد و از  
 عوامل احکامات و اطلاع میباید - میدانند که تا  
 چهل سال قبل ما - و دولت ژاپون در اقصی درجه  
 وحشت بسر بردند بجهت زبان و نام نامردار بودند  
 اینکه در ایران احکامات دیرتر از سایر ملل جاری  
 شده و درین فن از همه اقوام و ملل عقبتر بوده و  
 همین در روزنامه‌های ایران تا چندین قبل ملت ژاپون  
 مدزدان دریائی نامردار بود - و اطلاق لفظ سلطنت ابتدا  
 به پادشاه آنها میشد - و دارای هیچگونه استبداد اسمی  
 حر و حمت و وحشیت نبودند - تا اینکه چکیده تمدن  
 و تربیت بودند از رکت تدابیر سائیه پادشاه حالیه خود  
 اعلی حضرت (مکادو) امروز در هرفن و علم به قطار  
 و این درجه اقوام و ملل و در شمار سلطنت‌های  
 درک بشمار میرود

ترقیات چند ساله ژاپون را هرگاه بعد نظر آریم  
 و شور و تأمل فکر مائیم خواهیم دانست که با هدایت  
 در علم و دانش و تاجعیت اسباب که برای هر قوم و  
 ملت که خود ستار ترقی باشد امروز مهیا میگردد  
 ترقیات عصر حاضر هیچ دشوار نیست و ادا نباید هیچ  
 قوم و ملت با محبت صمیمانه و مرئی حقائق که شخصی  
 شخیص پادشاه است. آریوس از ترقیات طبیعت خود  
 گردد -

در سال (۱۸۹۰) صادرات تجارت ژاپون  
 (۵۶۶۲۲۰) ایراجم آمده بود. و در سال (۱۸۹۹)  
 صادراتش به (۲۱۴۹۲۹۲۹) رسید. یعنی در عرصه ده  
 سال فقط در صادرات تجارت ژاپون (۱۰۲۲۴۲۲۶) ایرا

زیاد شده - در سال (۱۸۹۰) سرمایه بشکهای ژاپون متجاوز  
 و نه میلیون لیرا بود تا در سال (۱۸۹۹) سرمایه آنها  
 به هفتصد و پنجاه میلیون لیرا رسید در سال (۱۸۹۰)  
 دخل راه‌های آهن ژاپون هفتصد و پنجاه هزار لیرا  
 بود - و در سال (۱۸۹۹) مداخل راه‌های آهنش  
 بچهار میلیون لیرا رسید - درین مدت قابل دستاوردها  
 او از یک نکت بیک و ریم رسید

دولت ژاپون چند سال پیش نیست که در نظام  
 لشکری بیرونی اروپائیان را اختیار نموده - درین مدت  
 قابل اندازه ترقی کرده که در فن جنگ و آموزش  
 دوش اهل دول جنگجوی عالم حرکت میکنند - و  
 جمیع اهالی ژاپون از هر عطفه سنگی تا چهل و  
 پنجاه کی از خدمات جنگی معاف نیستند - در جنب  
 امنیت و صلح دوایست و پنجاه هزار لشکر تحت سلاح  
 دارد و در وقت جنگ در عرصه یک هفته یک میلیون  
 قشون میتواند تحت سلاح آورده بر نقطه که بخواهد  
 حرکت دهد - دولت ژاپون روی هم رفته سده‌های  
 مختلفه دارای (۱۳۵۰۰۰۰) لایحه‌های نظامی است  
 نفوس ژاپون آنچه بقل آمده چهل و شش میلیون  
 است

امیدواریم در دامن تربیت این شاهنشاه با سیاست  
 و دانش ترقی خواه که در مات نواری و ترقی خواهی گوی  
 مسافت را از میکادو ربه‌اند ملت نجیب و دولت  
 قدیم و قویم ایران نیز که چکیده تربیت و اساس تمدن  
 در عالم از آنها برقرار مانده به ترقیات غیرالطوبی نائل  
 شوند که مورت رشک و غبطه جمیع ملل و دول  
 روی زمین گردد چنانچه چاره برده‌اند احدی از کس  
 نتواند نمود که هوش خدا داده و ذمات طیبی نماند  
 ایرانیه از ژاپون عالی است. اهم بر اینکه چکیده و  
 جسیده تربیت و تمدن را فرق بسیار است اسباب  
 ترقیم همه قسم برای ایرانیان میباشد در این صورت  
 همت را سرمشق باید نمود تا بمقتضای سلیقه دیگران  
 رسیده‌اند تا هم برسیم

نقل از جریده شریفه تربیت

کتر کسی است که خیر مملکت خود را نخواهد و حب وطن نداشته باشد. مگر کج طبع جانوری بصورت انسان و در معنی شیطان آدمی از طبیعت اصلی خارج و بدگوهری در جرگه اراذل داخل. اما درد اینجاست که اغلب همزخیر از سر نمیدهند. و بدرائیک می پندارند. و سرچشمه جمیع فسادها بی تمیزی باشد. و تمام آنها از سکور نادان برخیزد. این است که در هر عصر دانشمندان هر قوم کوشیده که دست مردم را بدامن قوه میزه رسانند و مقفل در اسکت مات را روشن کنند. و تجربه گوید که کاری از این مشکل تر نیست. و راستی که نمیدانیم مرد این کار کیست میشود یا باید تا قیامت آه کشید. می بینیم یا همه را باید شنید ابتدا سران طوایف و سروران قبایل ملتفت نبودند که آدم بی خط و سواد دست شکسته و بیکاره است و در حکم انسان ناقص میباشد بلکه چندان برتری بر حیوانات ندارد

هری بیک رنگی میگذارد. لذتاش فقط لذت خور و خواب و زندگانی زندگانی دواب. از مهم مطالب طالب حاجز و دور و از درک مناصد مهمه محروم و مهجور

بعد از آنکه تمدن مبانی پیشرفت پیدا کرد احتیاج بخواندن و نوشتن محسوس شد و قدر خط و سواد معلوم گشت و چون این مطلب بدرجه ثبوت رسید غیر تمدنان اقطار بدست و با افتادند و باصرار و ابرام سنگر را پیش بردند تا آنجا که حالا میتوانیم بگوئیم ولایات جهت که در آن يك نفر آدم بی سواد پیدا نمیشود و بلادی که بالنسبه عقب مانده در صد نفر بیش از سه نفر مدتها چهار نفر ندارد که خوانا و نویسا نباشند باقی همه میخوانند و مینویسند و کاردانان انواع لطایف الحیل را بکار برده تا کار را باینجا رسانده اند و اگر این حرفها را از بنده باور نمینمایید از ناخبران پرسید بر صدق گفته گواهی میدهند

اما خواندن و نوشتن اجالی با آنکه برای مرشفل و حرفه لازم باشد آدمی را دانا و آگاه نمی کند و شخصی نادان بیخبر ممکن است در هر قدم باغزد و در حکار دین و دنیای خود هر آن از صراط مستقیم منحرف شود و اج رود فریب خورد و مضون گردد پس طالبان خیر مملکت علاوه بر تأسیس مدارس و مکاتب و تدوین فنون و علوم ابداع و ایجاد اوراق و رسائل مستمری نمودند و با انتشار و اشاعه معلومات و اخبار پرداختند تا علی التوالی و بالا تمرار گوشها حرف تازه بشنود و از غرایب اوضاع عالم و محجبات اتفاقات و نوادر مهیده و اعمال نو ظهور و اکتشافات و اختراعات و صنایع و بدایع جدید و قدیم باخبر گردد و چشمها از این راه بینا شود پرت نیفتند و وارونه نغهند. بعبارة آخری مأخذی بدست داشته باشند افسانه بی حاصل نخوانند و نخواهند خود را عالم ندانند و روزنامه و جریده و مجله های گوناگون عامی و دوائی و غیرها همان اوراق و رسائل است و اگر این چند سطر خیالبافی و موهومی معمول باشد مه سود از نشر روزنامه جز خیر مملکت و فایده ملت خدمت بخماس و عام همشهریان خاصه امنا و کارگذاران دولت و دیوان چیزی نیست. والمنة لله که اقل بدگان باین سعادت فایز گشته و مراتب دولتی و خواهی مسکین را نیز خداوندان امر و نهی دانسته اند و در همین اوان پیش از پیش از مصادر اعلی عنایت و تأییدات دیده ام اما علی المحاله ذکر آن را موجب ریا میدانم شاید در وقتی بشرح آن پردازم و نظر بکریمه (اما بنعمة ربك فحدث) دمه عبودیت را بری سازم

پس اگر نساح و نهانوی در این ایام رفته جهت خارجی ندارد از زمستان است و برف و سرما و علت مزاج و ضعف پیری که لنگ و لوم و مانده و مغلوبك و بقول عوام چینهز و بولکنی بجان در مانده و ناتوان. انشاء الله هوا خوب میشود و موقع جیش حشرات الارض میرسد مراده راه می افتد و ساعت خوابیده کار میکند

(هلاک و هلاکت و ابله‌ها ما باید کرد تا شود)

حالا هر چه در روسیه در حال مذاکره می‌باشد  
 در این باره تا به حال هیچ اتفاقی افتاده و  
 در آن باره خبری از روسیه در دسترس نیست  
 و در این باره تا به حال هیچ خبری در دسترس نیست  
 و در این باره تا به حال هیچ خبری در دسترس نیست  
 و در این باره تا به حال هیچ خبری در دسترس نیست

کتاب و ... که کار ... کی آمده است که  
 که کار ... که کار ... که کار ... که کار ...  
 که کار ... که کار ... که کار ... که کار ...  
 که کار ... که کار ... که کار ... که کار ...  
 که کار ... که کار ... که کار ... که کار ...  
 که کار ... که کار ... که کار ... که کار ...  
 که کار ... که کار ... که کار ... که کار ...  
 که کار ... که کار ... که کار ... که کار ...

بار روسیه در سر حریف اول حریف شما خبر خود  
 را به حریفان ما حریفان در صدر مدله که کم است خبر  
 را شرم نمی‌دهد ما را این ... مهم روز نامه  
 نگارین است که هزار زبان اعصاب را توضیح نماید  
 رخسار و حسنه نشود گوید و ساکت باشد و اگر  
 دل در دست و دست خالص و عقیده صحیح گفت از

ما که بعضی وقت‌ها هتایتار و سفار میشود و هر وقت  
 چنین شد کار دولت بی‌جان و مشکل پیش می‌رود - و  
 بارها گفته‌ام که دولت سر مملکت است و رعایا در حکم  
 عصا و بر عصا است که در حفظ سر و شئون او  
 حیثیتش است و حق استوار و راحت و سر اندی  
 زندگی نماید -

داستان درسیا

عطف باسوس

در روسیه کشی روسیه با اسوح  
 در کشتی که با اسواد اسوح از برای جنگ  
 آماده نموده شده بود (بایق قلدر) و باغ  
 (ورقین) برنگ و چند (فروت) بود که میدان جنگ  
 در آمده و سه تا محکم میخواستند و در دریای  
 الیک کشی و ... سپردند و (عربی) نام سردار  
 دریای روسیه در روسیه محکم عثمانی برگزیده  
 شاه و دنا شهباز که در فرمان داشت از روس  
 حاکم (فروت) بر آمد و در پاشگاه آده حریره  
 (هوکلاند) که در دریای (ولاندیا) که پناهگاه بزرگ  
 دریای ایلیک است هر دو دسته کشی با هم آوار شدند  
 و آن کشتی روسیه که سی هزار و چهارم بود  
 بود که در راه بود و او یک شق از کشتی‌های  
 اسوح که همین با توپ دار بود روسیه  
 و دو کشتی اسوح که سب و چهارم بود داشت  
 آتش گریه و وحشت حور کارند گونه شد یکی از  
 نارکامهای خود بود و کشتی‌های روسیه تا او گمان  
 شدن بدو در بیرون آن نگاه می‌دید و کشتی‌های  
 اسوح را گذاشتند از حی خود محکم در آن محکم  
 هشت این (کاس - ناخدا) های روس به چابچه  
 شاسه بود کوشش نموده و دید به آمان در خود  
 کوشش که نموده دیدند خواه از برای داشته و سه دیگر  
 که سق برده داده و رفتار و به توجیه است  
 فروزد و فرسادی تا در آن ناآئین سپاهگیری بار  
 حواست شوند پس رسیدگی گناه ساقی و نادرستی آمان

هویدا گردیده دو نفر از آنان را بکفر رسانیدند و کشتند و یکدیگر را با انعام زندگانی بکشتی بانی برگزیدند

( بروز آشوب و شورش در سیاه اسوج )

پس از رسیدن سیاه از مردوسو سامان که در ورو برو شدن دوبار در میان آنان جنگ او بداد در یکی اسو بیجان و در دیگری سیاه روس شکست خورده و پایان کار نمودار نبود که آیا چه بروز خواهد نمود کترینه به اندیشه آن افتد که قتل در سیاه و زبردستان اسوج انداخته و پادشاه اسوج را بیچاره نماید - با دستگیری برخی از اسو بیجان بزور زر وادار نمود که بشای خورده گیری گذارده و بمیان سیاه اسوج این سخن را پراگنده کند که پادشاه آئین دیرینه را برهم زده و بر آن سرست که پس از این بدخلوه خود آنچه میخواهد بکند - چنانچه بیدستوری نبین (وینت - کنگاش) آغاز بدین جنگ نمود فریب او کارگر در سرکردگان اسوج این سخن کارگر آمده بیسار شورش گذاریدند و مایه پیشرفت کار کترینه فراهم آمد پادشاه اسوج جبهه آنکه از دریا و خشکی بروی شهر ( فردریکسها ) تاخت آورد و چون درودیار آن شهر ویران و در میانش سار و سامان جنگ آماده نبود و زود میتواست آنچه را بدست آورد و از برای پیش رفت این اندیشه همه گونه آمادگی دیده بود ناگاه سرداران بخرد و دانش فریب خورده و سپاهیان را شورانده برخی سخنان بیجان آوردند که انجام لشکار بیم ناک است و از جنگ بیم نای خود را بروز دادند و پادشاه بنیاد ایستادگی نمود همگی گرد آمده و گفتند هرگونه جان سپاری در راه زاد و بوم آماده ایم به پیمان آنکه فرمان انجمن ( وینت - کنگاش ) برگزیدگان انجمن ملی) بوده باشد بر فرمان انجمن بجنگ نمیرد ازیم با آنکه همسایه با کاری ندارد تاخت بر او آوردن کجا رواست از آنسو پادشاه در اندیشه آن بود که فرمان خود را روانی بدید تا سربازان سر از فرمانش

نمایند که ناگاه يك دسته از سربازان فرمان سر کرده خود سار جنگ را ریخته و بنا فرماز بر خواستند هاندم دیگران هم از آنان پیروی نموده و از دشمن روگرداندند رونمای اینکار شکفت اندیشه گرفته در را که پادشاه اسوج در دل داشت از دست داده و سپاهی که از دریا آورده بود بکشتی ها سورا نمود شتاب در برگشتن نمود و بزنگار سیاه که سر از فرمان پیچیده بودند گرفته فرستاد تا تو کوم در دست نمودند با آنکه بسیار همگی سران سپاه را در جاز گیر نماید بلکه همان يك سر کرده را که نجات سربازان را بر بخش ساز جنگ وادار نمود بود بد در میان لشکر آیدر او را بکندارش میباید و سپاه در دوره از خود خوشنود و به دار بجنگ نماید اما کم دلی بروز داده و از اینو شورش بالا گرفت و کار جنگ پس داده و گشته بزرگ دیگر آنکه در جنگ دست با چکی نمود میبایست چه زوری خود داری بدود آنکه کشیمای روس دانی ( نالتیک ) آورده نموده بدریای سفید میگذاشتند و داری ( نالتیک ) تپی از دشمن و یکباره در دست از میباید

( بجنگ بر خواستن دانیک با اسوج )

در میان روس و دانیمارک بیانی بسته شده بود که هرگاه هر يك از آنان را جنگ با اسوج روی دهند به پایه که در میان نامه نوشته شده بیکدیگر کند نمایند کترینه از وی پیمان از دانیمارک سیاه خواست تا آنکه دانیمارک از راه دور اندیشی یکباره از جنگ دوری میجست تا چار از در پیمان از دریا و خشکی خود را ناگزیر از فرستادن سیاه دیده يك دسته نشی از دریا و از خشکی هم سپاهی که در کار بود با سرداری جانشین خود سامان اسوج کسبل داشت و به جالاک و تندی چند در اسوج را بدست آوردند

( کونبورک ) را که دومین پای تخت اسوج نامرده میشد دوره نمودند چند روز پس از برگشتن پادشاه اسوج بیسای تخت خود از اینکار آگاهی یافته در دم

(فلاک و مملوک در آن حال شده ما باید کرد تا شود)

چهار منزله در رویه - سر سال مطاب نماید  
 حراند سیاه است - سماع او ق مری بشاه و  
 کر گاه به زن دروای امر - چند هم روانه  
 در آن ملک جدر جرده به بیاه و هکی  
 بیره بلع شده شد در اصراق کرد  
 ما ت این نوع سلطان در ک و امر کا  
 سی - در هر درباری است این همه  
 در و همین است - که نه حر مملکت در  
 و در هر مملکت و بن حسن بدی سره  
 و او - در فند و حوی هاری که باشد  
 درور باد باشد

کاتب و نگار نامه یکی از اصحاب اشک  
 که کاتبان است - شاه و دیگران گرد  
 رق و مسمومی را - سر کار آری تا صاحبان خیر  
 بد با و در نسی زاند - کاتب که صاحبان  
 هر بن سون میندای است - نگویند  
 شده - کاتبان - اما در همه مهم  
 بد هم که کاتب کی و او شده آتوب  
 - هم دشمن - شاه - مسال الله - همای دیگر  
 پیران - و گرد آنچه - هاند - این - من - باد  
 در و حق را باید کاتب - مکر و هاد - حوف و خصری  
 ار اش و سلا - حدقه نشانی - می  
 مرد - در مدت - اخبار طرا بحق که فی نوعت  
 می - و غیره - غرضی و راستی کمی خواهش و  
 واهی بداد

بار پرو - بر سر حرف اول حلالی هم - حر خود  
 در - بخواهد - ما - که در صدر - که - هم - آ - حیر  
 را از شرتین میدهند - این - خطبه - مهم - روز نامه  
 نگار این است که هر از زبان اصحاب را توصیح نماید  
 رنجد و خسته نشود - گوید و ساکت نشید و اگر نا  
 دل در است و نیت خالص و عقیده صحیح گفت اثر

میکند یعنی ملت هشینار و بیچار میشود و هر وقت  
 چنین شد کار دولت بیچار و مشکل بش میرود - و  
 باره گاهییم که دولت سر مملکت است و رعایا در حکم  
 اعضا و بر اعصاب که در حط سر و شمولات او  
 حسشان کند تا خود شوا - واجب و مری باندی  
 ندگانی نماید -

### داستان روسیا

#### عطف با سبق

در و شدن کشتی روسیه با اسوج  
 در کشتی که پادشاه اسوج از برای جنگ  
 آماده نموده بود - شارده - تق (ویاق قلدر) و پنج  
 (ورقین) برک - چند (قروت) بود که بمیدان جنگ  
 در آمده - و سه تا جنگ میخواندند و در دریای  
 نالک کشت و ۱۱ - میبرد خند و (ضری) نام سردار  
 دریای روس که بری رفتن جنگ عنای برگزیده  
 شده بود نا شیها که در برو فرمان داشت از برس  
 حاء (فروان) بران آمده و در پاشگاه آده جزیره  
 (هوکالند) که در دریای (ولاندیا) که پناهگاه بزرگ  
 دریای نالک است هر دو دسته کشتی نام و پرو شد  
 با آن یک کشتی روسیه که - بی هتاد و چهار توب  
 بود - با - ما در بر او یک کشتی از کشتی های  
 اسوج که همی با توب را دار بود - نجات روسیه  
 و دو کشتی اسوج که شست و چهار توب داشت  
 آتش گروا - بوخت جور کار بد - گونه شد یکی از  
 بار کاههای خود به بردا و کشتیهای روسیه تا برگذار  
 شدن - در در پرو آن نارگاه بستند و کشتیهای  
 اسوج را نگذاشتند از حی خود مجید در آن جنگ  
 هشت - (کابن - احدا) های روس چنانچه  
 شاسته بود کوشش نموده بودند - آنان در خود  
 کوشش که نموده بودند - راه ارانی داشته و سه دیگر  
 که - سقی - برودده بودند - گرفتار و به ترسجانه  
 فروسه - رساندند تا در آنجا با آئین سپاهگیری - مان  
 حواست شوند پس رسیدگی گناه سستی و نادرستی آنان

هویدا گردیده دو نفر را آبان را بکفر رسانیدند و  
 بکشند و بکبکگر را تا محام بزدگانی یکشتی بانی  
 برگزیدند

(برور آشوب و شورش در سپاه اسوج)  
 پس از رسیدن سپاه بر مردوسو و سماں کهور  
 و رو برو شدن دوبار در میان آبان جنگ و در  
 در یکی اسویجیان و در دیگری سپاه روم شکست  
 خورد و بانان کار نمودار بود که آیا چه برور خواهد  
 نمود کتیره به اندیشه آن قدر که فتنه در سپاه و  
 ریدستان اسوج انداخته و بادشاه اسوج را بچساره  
 نماید با دستگیری برخی از سویجیان برور در واد  
 نمود که سای خورده گیری کرده و عمیق سپاه اسوج  
 این سخن را پراگنده کرد که بادشاه آبان در پناه را  
 برهم رده و بر آن سرب که پس از این بدخلوه خود  
 آنچه میخواهد بکشد چنانچه بیدسوری زمین  
 (ویسه ککاش) آبان بدین جنگ نمود قرب و کارگر  
 در سرکردگان اسوج پس سخن کارگر آمده بسیار  
 شورش گذاردند و مایه بشارت کار کمتر فرم آمد  
 بادشاه اسوج حبه آنکه از دریا خشکی روی شهر  
 (فردریکسها) تاخت آورد و چون درودیار آن  
 نهر ویران و درمیانش سرد و سامان بسنگ آماده بود  
 و زود میخواست آنجا را بدست آورد و برای  
 پیش رفت این اندیشه همه گونه آمادگی دیده و ناگاه  
 سرداران بچرد و دانش قرب خورده و سپاهیان را  
 شورانده برخی سحان میسان آوردند که انجام اسکار  
 بیم نك است و از جنگ بیم نای خود را برور دادند  
 و بادشاه بیاد استادگی نمود همگی گرد آمده و گفتند  
 هرگونه جان سپاری در راه راد و بوم آماده ایم  
 چنان آنکه فرمان امین (ویسه - ککاش برگزیدگان  
 انجمن ملی) بوده اند فرمان امین بچک میبرد بیم  
 با آنکه همسایه با کاری ندارد تاجت بر او آوردن  
 کجا رواست از آنپس بادشاه در اندیشه آن بود که  
 فرمان خود را و بانی بدهد تا سرداران سر از فرمانش

نماند که ناگاه يك دسته در میان فرمانده  
 خود سار جنگ را رزمه رسد فرماز بر چه آمد  
 هاندم دیگران هم از آنان پیروی نموده و دشمن  
 رو گردیدند رومیهای بکار شگفت و ناگه  
 دژ را که بادشاه اسوج در دل داشت دست دده  
 سپاهی که از دریا آورده بود کمانی ها سو نمود  
 شب در برگشتن نمود و در سپاه که بر او  
 پیچیده دنا کرده و در دست دده بود  
 با آن بسیار همگی سران سپاه در دست دده  
 که همان يك سر کرد که در میان در بر زمین  
 در جنگ و بار بود در میان لشکر ایفر  
 و را بک رش و هاد و سپاه دو حو  
 حوش بود و در جنگ نهد ماکدلی و واره  
 از ایرو شورش بالا گرفت و کارگ بس و ده  
 گره برگ دکر آبان در جنگ و چون نمود  
 میبایست چ روی خود در می نمود آبان  
 کتیری روم (ایبک) در می نمود در نای  
 دید بگانه در روم (ناتیب) پس در سخن و  
 کاه در دست رومیها

(موجک در غولان دانیاک اسوج)  
 در میان روم ایمانک پیروی شده بود  
 که هرگاه هر يك از آن جنگ با اسوج روی  
 ده تا پایه که در پیون نام داشته شده بکار کرد  
 نباید کمتر از وی چون از دانیاک سر حبه ت نا  
 آبانکه دانیاک از راه دور ناشی کرده از جنگ  
 دوری میخواست باچار از ده پهل از روم و مشق  
 خود اگر بر از فرساده به دده يك دسته کتی  
 از دریا و از حشمتی هم سپاهی که در کار بود  
 جانشین خود شامل اسوج کسبیل داشت و حالاتی  
 و نسی چند دژ اسوج را بدست آورد  
 (کوتبورک) را که دومین پایتخت و ج مرده  
 میشد دوا نمودند چند روز پس در رگش پادشاه  
 اسوج بسیاری نخت خود از ایسکار آگاهی رفته در دم

نگهبانان خودش را گرد آورده و همه جا آگاهی داد که در حور توانی سپاه گرد و بداسوی کیل دارد و برای کمک رساندن کوشش بسیار نمود اما از بیم آنکه مبادا تا رسیدن سپاه مردم درون دژ خود داری نتواند حمله پادشاهی را از تن بدر نموده و جمله دیگر در بر و دو کس از نزدیکان خود را همراه بر داشته بناشاسانی خود را بدرون دژ رساند و دید که پاداری کردن دشوارست پس (فرستاده انگلیس را - ایچی) که در دایمارک بود به لشکر دایمارک فرستاده که از زبان پادشاه انگلیس سردار دایمارک آگاهی دهد که اگر دایمارک سپاه خود را از خاک اسوج واپس بخواهد آنچه کشتی دایمارک که در دریای انگلستان است نگاه داشته و انگلیس هم با دایمارک آغاز محاکمات خواهد نمود. حاشیة دایمارک از این سخن بیم ناک گردیده و اندیشه برگشتن داشت که فرستاده پروسیا رسید و برخی پیامهای بیم آور که سحران فرستاده انگلیس را میروارد رسانید سردار لشکر دایمارک را رهبره رست کردن نموده چار و ناچار از آبخارو گردانده و کشور خویش شناخت سخن جنگ بیکسو شد فرستاده انگلیس با آنکه دستوری نداشت که اشکونه بیای را به دایمارک برساند اما چون مایه رهائی اسوج و بشرف آرووی پادشاه انگلستان آمد شایان شایان و آفرین پادشاه و زبردستان گردید (گذارش پیشگاه نابرون)

باشانی که سپهسالار بگامداری دژ اوری گماشته بود بداسر شد که نگهبانان دژ کابرون ناخست آورد پس شهرار سپاه را فرمانداد که شالوبهها سوار و بدان سوی رود بگذرد هنگامیکه سپاهبان سوار (شالوبه - کشتی بادی کوچک) میبندد (سوازوف) نام جنرال روس دیده چند کس از سالداتهارا از دژ بیرون فرستاده و فرمانداد بکنار رود رفته همینکه سپاه عثمانی بدین سوی گذشتند اندک جنگ نموده رو بگریز آورد لشکر عثمانی پس از بختکی بیرون آمدن بنای زد

و خورد شد و الداتهای روس رو بگریز آوردند عثمانیان بگام آنکه دشمن را نیروی ستیز نموده شالوبهها را از برای آوردن کمک بدان سوی رود فرستادند سردار روس پس از آنکه رفتن شالوبهها را دید با گروهی از سالدات که همگی در دست تفنگ سر نیزه دار داشتند از دژ بیرون آمده و بر آنان ناخست آورد پس از زد و خوردی خونریزانه با آنکه از سپاه روس بسیار نابود شد و خود جنرال هم زخمی شد اما بسیاری آنان مایه نابودی عثمانیان آمد - (باقی دارد)

### کیسیون حکومت هند در تبت

طاقبت سرحد بدی تبت ماجر جنگ و خونریزی گردید - امارت تبت به پشت کرمی روس کیسیون سرحد بدی دولت انگلیس را نپذیرفت - اگرچه دولت روس از خیالات و حرکات دولت انگلیس درباره تبت رسماً اعتراض نمود - ولی چون دو چار مشکلات اقصای شرق بود لا علاج بهان اعتراضات زبانی اکتفا کرده امارت تبت را گرفتار حلات دولت انگلیس گذارد - شرح کیسیون جنگی دولت انگلیس را که بجانب تبت حرکت نمود مفصلاً نگاشته ایم - دولت انگلیس رسماً در پارلمان اظهار داشت که کیسیون تبت اگرچه با استمداد جنگی است ولی در حقیقت کیسیون صلح است

تاگرافاتی که از تبت ظاهر میدارند که طاقبت کیسیون صلح منحصر بجنب جنگ شد انگلیسان تقصیر را بر تبتیان وارد می آورند مبرهن است که این تصور مندیها فقط برای اظهار عدم تجاوز بملک دیگران شهرت می یابد هر يك از صاحبان بصیرت را روشن است که با این ضعف و عدم استعداد امارت محقر تبت بدو اقدام بجنب جنگ نمی نماید مگر اینکه بجهان آمده از جان بگذرند - روزنامهجات روس درباره جنگ انگلیسان در تبت خیلی سخت می نویسند - و چنان تصور میکنند که اگر دولت انگلیس (لاسه) دارالاماره تبت را تصرف کند



مورث راشتگی روس خواهد گردید - چه بعضی اراضی که در خریطه ثبت واقع است در قبضه و تصرف روس آمده - لابد در تعیین سرحد بندی اسباب اشکال و تقارنش خواهد آمد - مسلم است این سخنان را ارباب سیاست چندان وقوف و قی نمیکنارند -

خلاصه دولت انگلیس یا ثبت را کاملاً قبضه خود خواهد آورد با سر بر سر و پرا ذمه گرفته بیک تیر چند نشان خواهد نمود - اول قبضه ثبت - دوم حفظ هندوستان از حملات دشمن ازین طریق سوم حمله ر چین - هر گاه ثبت در قبضه انگلیسان باشد هیچ دولتی از آن طریق مقتدر حمله بر خند نخواهد شد در جنگی که بین تبیان و کیسیون انگلس واقع شده سیصد نفر تبقی هلاک و دوست فرار می نماید کیسیون بجانب (کیانژی) میخواست حرکت نماید (جنرال دیان) تبقی مانع شد جنگ در گرفت جنرال موسوف که از خاندان حایل ثبت بود نیز هلاک شده است علت تلفات این همه لشکریان تبقی در مقابل یک مشت همراهان کیسیون این بود که اسلحه که تبیان داشتند ناقص بلکه بیکاره بود - تبیان با کمال حلاوت جنگیدند - وقایع نگار اخبار دیلی مبل لندن که معیت این کیسیون را داشت درین گیرودار دوازده زخم مکرر برداشت ولی خوف هلاکت در او نپروود - اهالی ثبت برای جلوگیری کیسیون دیواری ساخته بودند امید تأیید و همراهی از روس نیز داشتند تبیان خواستند با شمشیر جلو توب و تفنگ باستند جنرال موسوف آنها را مانع آمده عاقبت با تفنگ های ناقص مقابله با توب و تفنگ کامل نموده بدست خود خویشان را هلاک ساختند باید دید که عاقبت کار بکجا منجر خواهد شد دولت روس گمان نیست امروز اعتراضات خود را بمجدی قوت دهد که مجبور بمشاجره با دولت انگلیس گردد - دولت انگلیس را مانع از پیش رفت خیال شود - خبر فتح کیسیون انگلیس خیلی مورث مسرت اهالی لندن گردیده چنان تصور می نمایند که امر ثبت باید بکمره شود انگلیسان

میگویند کیسیون با (کیانژی) خواهد رفت و هر گاه مجدداً تبیان تسلیم نشوند تا (لاسه) نیز حرکت خواهد نمود و در لاسه نمانده از دولت انگلیس که نگران حرکات تبیان باشد تمین خواهد شد از قشون انگلیس فقط دوازده نفر درین جنگ مجروح شده اند

مکتوب بی غرضانه

جناب مؤید لاسلام - از مقامات اولیه است که پیش رفت امور خواه شخصی و خواه جمهور منوط و مربوط به بیرون آمدن از راه اوست - سیر در طریق بیراهه هیچگاه کسی را بمقصود نرسانیده - پس خیر خواهان وطن عزیز که دم از اصلاحات مایه و دوایه میزنند - باید نکته (فادخلوا البیوت من ابوابها) را از نظر دقت دور ندارند - با خاطر مباحث نشده حواس افراد مات را بریشان نساخته اختلاف کله بین ملت و دولت نیندازند - مین است آنچه ما را از ترقی باز داشته با امروز همانا اختلاف کله بوده است

باید خیر خواهان وطن صبر ما بدوا چشم از جزئیات نقائص پوشیده در اصلاح کلیات رأی زنند همیشه قادر بر اصلاح کلیات امور شدیم جزئیات نقائص را خود بخود طبیعت دفع میدهد

اما کلیات امور که امروز با اصلاح آن دولت و مات ایران خیلی محتاجند چند امر بیش نیست - اول منسوخ شدن اجاره و قائم داشتن دره است - این امر مساله جمیع سیاسیون فرنگ است که در هر مملکت تا رسم اجاره برقرار است روز افرون دولت ضعیف مات نحیف مملکت ویران رعایا در بدر میگردند -

پس بزرگترین اصلاحی که امروزه محتاج مدو هستیم بر تدبیر که مدیر شود منسوخ شدن اجاره و برقرار داشتن اداره است - چرا که اداره مستلزم است قانون را چه گردش اداره بدون قانون دشوار بلکه محال است - لفظ قانون در قلوب اهالی ایران بواسطه عدم علم مورث و حجت گردیده قانون هیولای عجیبی که بخاطر ماها نقش بسته ندارد - قانون عبارت

است از احکام شخص مهندس بادشاه همه با وجان  
 معارض و معارض او هم در دولت و ت طریق ... وات  
 بدون ملاحظه حید و سید بزرگ و کوچک - قانون  
 هانا احکام شریعت ظاهره مساوات که برین خود را تابع  
 و بر و آن میدنیم که از جانب حصر - دی حات  
 عسمة ری اصلاح حال اعد فرستاده شده - قانون عمان  
 قرآ ... ت نه ماه ش ... رور مرست کرده و در ...  
 حور ... معنی قانون این است که عراق عراق  
 خود مرید شد یاز و بر ... ابر ... با ...  
 سید ... بر او ... در ...  
 دستن به رد و همراه عشاء استیضاءت رسد جمع بر  
 او واحد شد عالم باشد اسبیل و د ... حکا ملک  
 و مات ... عمل شود برین بیانات طهر کرده که  
 لفظ قانون و کج سار ... مره ... شدن بست ...  
 مورث و حش و داران ما شده به نظرها قسمی دیگر  
 حلوه باید و سحر ... مرطین گوش داده ...  
 و حش ... احتلای کله کردند

همسکه د نسیم اداره قانون لازم دارد من حاصل  
 خواهد بود که ترتیب قانون بدون عا ... توری صورت  
 ... معنی قانونیکه کفای از اصلاح حل ملک و  
 مات و دولت و ماکت باید تکالیف حر به آزاد جمی  
 ر ... صورت به شده ... رأی یک امر کافی از  
 حاکم صلاحات دیگر و لو عمره ... در باشد هر کس  
 ... دعوی اصلاح یک ملک و مات را باید قابل  
 تصدیق باشد - اصلاح جمهور را همتی از جمهور  
 بر است شخص مهندس بادشاه تواند کرد

عق ... اتادن ما از کارها بدین سبب و ده که چهاره  
 فقط یک نفر صدر اعظم را مسئول در جمع کارها  
 قرار دادیم یک نفر اگر قوه قدسیه را هم دارا باشد  
 لا محاله بر بار ملذمه کارها هیچ ... میگرد  
 لی همین که ادارات قائم شد و قانون در جریان  
 آمد هر رئیس اداره در عمل خود مسئول است و از  
 برای شخص اول دولت نیز فرصت بدست آمده در

ترقی و تعمیر و آبروی مملکت و در ظاهر ملت آبادیه  
 صلته باش ... باید - حاکم حقیق این در مملکت قانون  
 شد که حکم محکم شخص مهندس بادشاه است هرگاه  
 سد حکم و وکی و وزیر تبدیل و تغییر باید باید بود  
 اور ملک و ملت خلک روی دهد و تعمیر و تبدیل در  
 احکام دواب پیدا شود

اصلاحات لازمه ملک و ملت حامد سلسله مربوط  
 و پیوسته یکدیگرند - همین فکر که در اصلاحات اولیه  
 کام روا گردیده چنانچه شاید و باید متعنی المرام شدیم  
 حریات اور ما خود بخود اصلاح خواهد شد خدا فقط  
 در یک مسئله که احزای ادارت است بحث میدانم

احدی در دنیا و خیر خواهان با بصیرت انکار  
 ندارند که در امور دیوی و تجربه کارهای ملک داری  
 ما ایرانیان ساطی دراز از هر کس باید علم و تجربه  
 حاصل نمایم همه می دانیم که در اور حسه فرنگان کار  
 را به ایه گذارده اند که عقول امروزه ما از تصور آن  
 عاجز است مثلا فرنگان اختراع تلگراف می نمود  
 قنماً عقول ما از درک و فهمیدن حکم و تکی و تصور ر  
 آن عاجز است این رو باید تا این حکیم که عقول  
 آنها در مواد حسیه بر ما تفوق دارند - و تجربه  
 که آنان فرساید بهاری ارت یافته ممرات ...  
 ما زیاد است - شاید اگر ... صفایه سخن گفته شود  
 تا این ایم کار را که یک فرنگی با تجربه احصام میدهد  
 پنج ... که صد نفر مردمان با علم و تجربه ما نمیتوانند از  
 ... بر آید - از ابتدا وضع ترقیسات عالم بر این بوده  
 که هر قوم بای بداس تمدن میدهد از متدین اقوام دیگر  
 حاکم و تجربه کرده تارقه رفته در ملت خود تربیت  
 یافتگان کار آمد پیدا شوند

دولت روس و ژاپون که امروزه در عوالم تمدن  
 باید آوازه گردیده اند - بدوا برای اصلاح امور ...  
 خود آدم از خارجه جلب نمودند و تا کنون هم در سر  
 بعضی از ادارات روسی و ژاپون مردمان با تجربه و علم  
 اروپائی گذارده اند - مثلاً مهندسین و معماران هولاندی

برای تعمیر پل و جسر و امثال این گونه عمارات ارجحیه  
 ملل اروپا استاد تر و با تجربه تر اند - ازین جهت با اینکه  
 در جمیع ممالک و ملل فلانک مهندسی و معمار بسیار بلکه  
 بی شمار است مع ذلک برای مزید علم و تجربه مهندسی  
 هولاندی در تعمیر کارهای عمده فلانک مهران هولاند  
 را اجیر میکنند و مستخدم میکنند

در ایران وقتی تلگراف کسیده شد ایرانیان قدر  
 کفایت لیلین اداره که عالم بدین فن باشد نبودند - بلکه  
 هیچ نبود امروز جمیع تلگرافخانه های مازا ایرانیان با  
 کمال خوبی میگردانند

اداره کردن امور علمی داد که تنها به خواندن و  
 نوشتن و زبان دانی حاصل نمی شود - یعنی منوط است  
 به تجربیات همایه -

از این دو بدوا ما عبوریم مثل سایر دول و ملل  
 آدم با علم و تجربه از اجابت قرص بهیم تا بواسطه آنها  
 هم کارهای مان منظم شود - و هم زبردست آنها ده های  
 خودمان تربیت و عالم شده تجربه حاصل نماید - تا پس  
 از چند سال آنها را جواب داده از این احتیاج نجات یابیم  
 و اگر بخوانیم بخودی خود اصلاح جمیع کارهای خود  
 مان را نموده سری دره یان سرها آریم دشوار بلکه محال  
 است نه چه هر یک قدم ماها از روی بی علمی و بی تجربه گی  
 در کارها پیش روی دیگران صد قدم پیش خواهند رفت  
 و ذوقی هم که ترقی مائیم باز هم بسست با اقوام دیگر بست  
 خواهیم بود ما باید کلاه خود را قاضی نموده تکر کنیم  
 و بیاییم که دول فلانک با آن ضرورت و دانش و علم  
 و تجربه در کارهای خود چگونه پیش رفته و میروند  
 هر وقت خود خانه را بارید چه خانه دارند ولی بمجردی  
 که یکی از صنایع دولت دیگر اختراع باروت و توپ  
 و تفنگ جدید بوده که بهر از اختراعات سابقه باشد  
 با مصارف زیاد همه دول رجوع بدو کرده از خوف  
 اینکه بمقتب افتند بهر وضع تدبیر باشد آن اسلحه را حجاب  
 کرده بطریقین و ابوابی با رقبای خویش میبازند همچنین  
 مینویسند و نقل کرده اند از آن کارخانه خریداری کردند پس

از مدتی خودشان مثل آن یا بهتر از آن در کارخانهجات  
 خویش آنها میبایند مسلم است که تکبر و منیت در کار  
 اهالی ملک و مات بی معرفت نکند امور دنیا همه بآید  
 ابناء نوع باید انجام یابد

مقصود از این عنوان آنست که ما ارحام مردمان  
 خارجه خصوصاً فلانک برای اصلاح کارهای خود  
 مان تقدان و ضرر نخواهیم دید - ما مردمان خارجی  
 حالاً و مالاً برای ما ضرر ندارند ولی این ضررها را باید  
 دفتر مصارف تعام و تربیت خودمان محسوب داریم  
 بدون اینکه ضررها رفع صورت و احتیاج ما و اندک  
 این نکته نیز محمی ما که اگر بواسطه اقامت  
 خارجیان در بدین رفت و آمد خود ما را در و بی  
 باید گردد او نیز از عدم علم و دانش و اعتشاش  
 دستگاه خودمان است - و ره هرگاه اساس کارهای خود  
 مان را محکم و در امور تحقیق و تحقیق عام  
 خارجیان را هرگز موقع خیانت بدست نمی رود در  
 هر امر همین که قانون که حکم عمومی شخص مائیس  
 پادشاه است دره آن رجال سادات و رؤای روحانی و  
 افراد مات جاری و اصول مشورت برقرار و ادارات  
 قائم و تقیض بروی کار آمد - ابواب خیانت بود  
 میگردد - خیانت و امانت هر دو کلاه را است -  
 و احدی را نمیتوان گفت از این دو صفت دیری و  
 معری هستند - حتی در اقوام مقدس عالم نیز در  
 بعضی اشخاص بزرگ خیانت بروز کرده و میکند

این است که جمیع دول متمدنه ای که کمتر محتاج به  
 جاب مسخده بن از خارج هستند هم الازمین دولت را در  
 وقتیکه مالذمت می بخشند قسم میدهند که خیانت نمائند  
 با اینکه میتوان گفت غالب از حقوق مایه و دوله خود  
 واقف و با کمال جان نزاری خدمت میکنند - درات  
 بوظیفه خود عمل نموده از فرد فرد مال را هر داره  
 تحقیقات کماله و تقیضات لازمه می شود - هرگاه بنا  
 شود که ما از خیانت ملازمین خارجه خوف نمائیم نقص  
 تدبیر خود را باید قابل شویم - دولت نه باید اطمینان

بلازمین خارجه بلکه داخله خود هم داشته باشد و نه  
 از حاح فوائد آنان باز ماند  
 دولت نماید کردار و رفتار جمیع ملازمین خود را  
 کاملاً در نظر تحقیق و تفتیش داشته احدی را مجال  
 آن ندهد که تواند خیانت کرد - چون اداره تفتیشیه  
 دولت مرتب و نظم گردید دولت بدون خوف و  
 هراس متعهد حاح فائده از مستخدمین خارجه می نماید -  
 اگر بنا شود که مدین خیانت خام تا تمام ما ترک استفاده  
 از علوم و تجربه فرنگان نمانیم هماره عقب مانده زیردست  
 خواهیم ماند - در صورتیکه اداره تفتیشیه باشد دولت  
 از خیانت های رجال داخله نیز محفوظ و محروس  
 نخواهد ماند چنانچه تاکنون مشاهده است همین که دست  
 خیانت در امور دولت دراز شد خواه از مستخدمین  
 خارجی باشد یا داخلی ها - کارها غیر مستعمل و خیالات  
 متشنه و شالوده ترقیات مانده و دوله ما متزهووع  
 خواهد بود

پادشاه سایه پره رادگار است باید هم غفور و رحیم  
 باشد و هم شدیدالتاب - و هماره مستخدمین خود را  
 مابین خوف و رجا نگاه دارد - یعنی صله خدمات  
 صادقانه خیرام را سوع احسن بدهد و مکافات خائنین را  
 نیز بطریق سحت در کارشان نهد - تا کارها بر نهج  
 مستقیم در دایره صحیح نگرود و این اصول وقتی قائم  
 تواند شد که دولت از روی قاعده صحیح در هر  
 اداره تفتیش و تحقیق کامل نماید و هرگاه امری  
 فوق العاده باش آید که اطعیان به متمشین آن نتوان نمود  
 کمیسیون محسوس برای تحقیقات موقفاً برقرار دارند -  
 پادشاه باید قسمی در کارها رعب و هیبت و تدبیر بکار  
 رود که حق شمس اول دولت و فرزند عزیز  
 سلطنت را در حلول نیروی خیانت بدولت نیاند و  
 باندازه سلیم و رؤف و مهربان و رحیم باشد که ادنی  
 سرار بمراحم پادشاه در خدمات صادقانه خود امیدوار  
 باشد این امر جز باجبرای قانون سزا و جزا و تعین  
 حدود مستخدمین و مسئولیت و تفتیش در کارها

صورت نه بندد

پس انصکر با یک فتره یا ده فتره خیانت که از  
 مستخدمین خارجه و داخله دیدیم ترک ملازم گذاردن از  
 آنها نمانیم جمیع کارهای دولت زمین می ماند - باید این  
 نقص را در کار دانسته در تکمیل آن سعی نمانیم یعنی  
 ابواب نقل و خیانت را بروی خودی و بیگانه بسته  
 قوانین جزائی و جزائییه را در موقع اجرا آورده اداره  
 تفتیشیه را منظم نمانیم ورنه بخیران خیانت اجانب ما از <sup>اولیه</sup>  
 و تجربه فرنگان اگر استفاده می نموده نخواهیم که بر <sup>اولیه</sup>  
 رمان منفردا خود مل در مقام اصلاح ~~کارهای~~  
 خود بر آئیم راهی صواب نرفته و همیشه عقب خواهیم  
 ماند بر فرض که ما عالم جمیع علوم فرنگ هم باشیم ولی  
 تجربه در کارها بسیار دخیل است

هرگاه ما تسلیم داریم که یک استاد نجار با تجربه  
 که ساهلای دراز نجاری کرده ولی نجاری را از روی  
 قواعد علمیه نخواهد بریک نفر عالم بدون نجاری که ابتدا  
 پیشه واره بدست نگرفته تفوق دارد و بهتر و باصفا تر از  
 آن عالم کار میکند نمیتوانیم گفت که گردیدن اداره که علم  
 مملکت داری است بدست اشخاص با تجربه و بی تجربه  
 یکسان خواهد گشت - در امور مملکت داری علم و عمل و  
 تجربه خیلی دخیل است ولو آنکه بعضی از رجال ما علم  
 خود را بدرجه فرنگان هم رسانیده باشند یقیناً تجربه آنها  
 را نخواهد داشت هنوز روسها و عثمانیا و ژاپونیا باینکه  
 ساهلست در گردیدن اداره جات خود تجربه حاصل کرده  
 در کارهای مایکی خود هنوز از مستخدمین خارجه افتاده  
 و استفاده می نمایند

مقصود ازین بیانات آن است که برای ترقی خود دولت  
 ایران مجبور است اخذ قوانین اساسی را که پس از قریباً جرح  
 و تعدیل و تجربه و اصلاح فرنگان تکمیل نموده بدون خون  
 جگر جلب نماید - و نیز ناچار است که برای انتظام ادارات  
 خود از خارجه مستخدمین جلب نماید و این خیالاتی را  
 که بعضی خود فرزان در قلوب ساده عوام جای داده اند  
 که اجانب خیانت میکنند و برای همسایگان جاسوسی و

راه نای میباید دید ملاحظه...  
 تصدیق...  
 ابواب...  
 و تجربه...  
 براه...  
 سرگردانی...  
 در...  
 (م.م.)

جمع و خرج هندوستان

۲۲...  
 خرج...  
 هند از...  
 هندوستان...  
 است...  
 امبد...  
 (۲۱۳۲۶)...  
 ایرا...  
 که...  
 جیب...  
 (۲۰۵۵۷۰۰)...  
 است...  
 تنزیل...  
 (۲۲۴۵۵۰۰)...  
 سادات...  
 از...  
 (۲۲۲۲۹۰۰)...  
 شد...  
 باید...  
 ایرا...  
 از...  
 ایرا...  
 آنچه...  
 خارج...  
 نسبت...  
 (۲۲۲۲۹۰۰)

تخمین...  
 در این...  
 (۲۵۱۶۰۰)...  
 لشکری...  
 (۲۷۹۲۸۰۰) ایراست

تخمین...  
 میلیون...  
 شده...  
 بیست...  
 از...  
 میزان...  
 همین...  
 تعمیر...  
 دویست...  
 اراضی...  
 ادای...  
 بیست...  
 میلیون...  
 قرصه...  
 و...  
 (۲۲۲۲۹۰۰)

زواجیت چاقی بحر ایران

بر...  
 حکم...  
 کرده...  
 دارند...  
 نموده...  
 بیایند...  
 (۲۲۲۲۹۰۰)

نیتوان بلیل بر ضرر طبیعی چاقی گرفته این است که بعل  
متعدنه عام که احتیاج تامه را بدین جنس نیتنه و بلا حفظ  
میکند بیالی مایونها. لیرای زرد شان، در بهای ایجه  
جنس سیاه بر باد میروند بناچار در پصدت زراعت و عمل  
آوردن چاقی بر آمده. در هر مملکتی که اراضی آن به حد  
پرورش درخت چاقی است تسمه در مملکتان زراعت او  
مبایند - چنانچه چندین سال است در مروجه سیاه  
میشود که چاقی را در خاک خود عمل بیارند - و این باغ  
مگر همه ساله در بهای آن دانه میشود در مملکت  
خودشان به ماب دولت، انزونی و در باره زراعت چاقی  
مماعی حبله بکار رده ولی تاکنون هیچیک بدین مقصود  
ناقل نکرده اند. مگر با اراضی آنان قبل برداشته  
چاقی نباشد -

مرکز زراعت و ثروت چاقی بدوا چین بود - چند  
سالی پیش بست که دولت انگلیس در هندوستان نیز  
اقدام در زراعت چاقی نموده. اینک بعد از چین، چاقی  
هندوستان است - بلکه بحیثیت مقدار، چاقی که به عمل  
می آید هندوستان از چین چاقی پیش است - امروز روز  
کم تر تجارتی است که میزان تجارت چاقی میگردند باشند  
در چین معلوم نیست که ازین زراعت چه قدر فایده  
میکینند - ولی در هندوستان، مهم تجارت طبیعی این  
مملکت وسیع بشمار است -

از زمان ولایت عهدی اعلیحضرت باقری شاهنشاه  
ترقیخواه ما که خدایش محمد و دولت جلوه افشان دادند  
در باره زراعت چاقی در مملکت اقدامات بسیار شده  
چنانچه در شماره های سابق جبل المتین شرح الی می آید  
تا درجه بیان شعور است - بحکم مقرر و لفظ عهد حایه تری  
اعلیحضرت پیر تاجدار، مهربان ایمانه این زراعت در  
ایران رایج و مآثری نه فقط رفع بلین احتیاج بندگی عام  
از ملت مینماید - بلکه از امتیه تجارتی بحقیقته ایران خواهد  
شد - که سالانه بیرونه ایروان مملکت و دولت فکرم رساند -  
اعلی ایران اگر چه با ظهور زراعت چاقی در مملکت  
قانون آن تجریات تزلزل پذیرد چنانچه چند سال گذشته

در زراعت و تربیت ترنگ گوی مسابقت را. از جنگدان  
مستحب بود و ترنگ بدوین منقلب اولی بهترین ترنگهای مملکت  
پیدا و امروزی از بهترینترین آفته تجارتی ایران محسوب  
است -  
خلاصه یوم جهان عبده عزیزدم. محرم الحرام ۱۳۱۷  
انجمن مبارکه مظفری منعقد بود با آقای غنی السلطان  
وزیر مقیم قدری چاقی ایران که بطریق مونه بدیستان  
رسیده بود آورده طبع حضور شده اعضای انجمن کنگه  
باکمال شوق و شغف صرف نمودند بدون شایبه اغراضی از  
بهترین چاقیهای هندوستان طعمش دست تزیب بود ولی  
بهورتش چندان تعریف نداشت جناب مفسم السلطان بیای  
خاست شرح مبسوطی از اقدامات ذاب اقدس ملوکانه و  
ان زراعت و خیالات ترقی خواهانه شاهانه بلین نمودند  
تمام اصصلی انجمن مبارکه مظفری به ظریت مسرت دمای  
عمر و دولت و اقبال و اجلال این شاهنشاه ترقی خواهانه  
را نمودند - اعضای انجمن را در حقیقت آن روز فیروز  
مانند جفن روز مسرت نوز بود - و همه از صمیم قلب به  
پیر تاجدار مهربان خود را دعا نمودند. و این دعا  
گردیدند که در سایه تربیت ولی نعمت کل و پدر تاجدار  
مهربان خویش عا قریب وقع غالب احتیاجات و مایه  
ایشان با حسن وجه بشود -

طهران

بوقایع نگار محترم ما می نویسد که واقعات  
مهمه ما بعد از نوروز در دست فی آید خلفا یا فخر  
شهرت دارند عرض نمی نماید البته اطلاع مایه که بهیچ  
حکام ولایات طلب شده اند که انعامات تولی اصلاحیه  
ضروری عمومه داده شود ولی نعمت کل و پیر تاجدار  
ایرانان توجهات مقدسه ملوکانه را در اجازت عریض  
پیش از پیش مبذول داشته و لایح بیم مجموع حسب الامر  
طالبه متعالیه ملوکانه از قوه فعل خواهد آمدن به طرف  
ناکتون حقیقه احرا سلوک نمایند که باکلام بیرون  
اصولت لازمی اول انجم سلوک است و چیزی که خلاف  
جانان موجب عیب است که ازین جهت است تالیف

بسیار است و این که این اداره مستقیم شد دولت و ...  
 اصلاحات ملکی و حق بانک توجه منضم الزام تواند شد  
 زو-نو-نک و لغو، مقبولی آراست  
 گویا اداره مالیه از حکومتیای محلیه مخیر شود  
 بدین حکم اهدا تصرفی به مالیه نخواهند داشت  
 مأمورین آن طرف وزارت مالیه در هر شهر هرگاه  
 شایسته حالت را اخذ و مخارج را بوجه خود پرداخته آنچه  
 زاید بماند محل بجزیه نخواهد شد. امسال دیناری مطالبان  
 نخواهند بپذیرد ولی کسانی که حالا مالیه بپذیرند و یا کم  
 میهنها شایسته نخواهند بود. یعنی همان قسم که امروزه  
 در محل گویا به تساری رفتار می شود در محل مالیه نیز  
 اصول مساوات و برحق خواهد بود برای قرا و زبردستان  
 و زراع خوب است بجا آوردن حقوق ملت باید حساب  
 مکان خود را به نمایند  
 در محل مالیه (نیول) را هم موقوف دارند برحق  
 از اصل منزه را عقیده بر این است با وجودیکه دولت  
 دیناری بر مطالب نخواهد افزود. همین اصول اداره  
 چهار برابر هرگز از مطالب نباید خواهد نمود. یعنی  
 ضایق بر این ملک میدانی حکام میفرودند بدین اصول  
 آنچه ملت خواهد داد خزانه دولت باید خواهد شد  
 قطعاً اسباب ابواب اسباب کوخلف در حقوق دولت  
 رعایت می کنند و بدو وقت غیر مستقیم خواهد شد  
 الحق این انسان هرگاه با اصول حکمی باشد تا به نیک بحق  
 ایرانیان و همه گونه ترقیات دولت باید تصور نمود  
 میگویند رئیس گمرک آذربایجان را مدیر کل گمرک  
 قرار داده و به وزیر (وزیر) وزیر گمرک را وزیر مال  
 خواهند نمود  
 نقش عمل تفکره و لجه و دنیا وزارت جلیه  
 در امور و در امور گمرک و سایر امور که منجوع این  
 در امور و در امور گمرک و سایر امور که منجوع این  
 در امور و در امور گمرک و سایر امور که منجوع این

ممنوع است از تنظیم با او تذکره و سهولت امر مگر در  
 و انگیزه خود  
 و او است که دولت انگلیس سالی میباشد که بدون  
 اعتدال که اینها را در کل در حقیقت معادن ایران را برای خود  
 و بخالی از دولت ایران محاصل نماید و در لای آن  
 بکند و سه کشور توافق بول دولت ایران در مدت سی  
 سال به برادر گمانی می رود که امنای پادشاه و دولت  
 و کیاست دولت این تکلیف را قبول نموده زیرا این  
 تکلیف ضایر مهم دولت انگلیس روند چه درین معامله  
 سخن قاضی مراد ایران را خواهد بود این احکامات  
 همه ماری از رسمیت است فقط افواها نیست که در بین  
 مردم سخنان شهرت یافته است بقیلاً هرگز ادای دولت  
 قبول این تکلیف نخواهند نمود چرا که نروت طبیعی ملک  
 سه شصت است اول زراعت دوم معادن سوم آنچه از  
 تسهیلات ملکی فائده حاصلت را آهن و غیره بدست آید اگر  
 این معامله بعود گویا یک ثلث عمده نروت طبیعی چنین  
 ملک و وسیع در خزانه و با بهای بسیار قابل که معادل  
 ما منخل یک سال آن نیست فروخته ایم علاوه بر اینکه  
 قصاصات دیگر سیاسی نیز مآلاً برای ایرانیان در بین امتداز  
 هست علاوه بر وسیع قابل که با اول با دست و خرج راه  
 انداختن و معادن باید از یک شود خصان کرده از خود  
 مان بیرون آورده و قبلی او آنرا نخواهد دانست  
 و نیز شهرت دارد که چون عمل مالیه منظم شود  
 بواسطه اوجی هرولایت بوقت خود و بدون حیف  
 و حیل بدست خواهد شد و اداره اش مگر برای ایران  
 چنانچه شاید و نماید منظم خواهد کرد اداره مال و  
 نظام روح ملکیت و سلطنت است همیشه انشاء الله موفق  
 باصلاح این دو اداره شایسته اصلاح جایز امور بندگان  
 دشوار بیست و ...  
 سخن جده که مالیه مد نظر دولت  
 گویا قطعاً اینها را در کل در حقیقت معادن ایران را برای خود  
 و بخالی از دولت ایران محاصل نماید و در لای آن  
 بکند و سه کشور توافق بول دولت ایران در مدت سی  
 سال به برادر گمانی می رود که امنای پادشاه و دولت  
 و کیاست دولت این تکلیف را قبول نموده زیرا این  
 تکلیف ضایر مهم دولت انگلیس روند چه درین معامله  
 سخن قاضی مراد ایران را خواهد بود این احکامات  
 همه ماری از رسمیت است فقط افواها نیست که در بین  
 مردم سخنان شهرت یافته است بقیلاً هرگز ادای دولت  
 قبول این تکلیف نخواهند نمود چرا که نروت طبیعی ملک  
 سه شصت است اول زراعت دوم معادن سوم آنچه از  
 تسهیلات ملکی فائده حاصلت را آهن و غیره بدست آید اگر  
 این معامله بعود گویا یک ثلث عمده نروت طبیعی چنین  
 ملک و وسیع در خزانه و با بهای بسیار قابل که معادل  
 ما منخل یک سال آن نیست فروخته ایم علاوه بر اینکه  
 قصاصات دیگر سیاسی نیز مآلاً برای ایرانیان در بین امتداز  
 هست علاوه بر وسیع قابل که با اول با دست و خرج راه  
 انداختن و معادن باید از یک شود خصان کرده از خود  
 مان بیرون آورده و قبلی او آنرا نخواهد دانست  
 و نیز شهرت دارد که چون عمل مالیه منظم شود  
 بواسطه اوجی هرولایت بوقت خود و بدون حیف  
 و حیل بدست خواهد شد و اداره اش مگر برای ایران  
 چنانچه شاید و نماید منظم خواهد کرد اداره مال و  
 نظام روح ملکیت و سلطنت است همیشه انشاء الله موفق  
 باصلاح این دو اداره شایسته اصلاح جایز امور بندگان  
 دشوار بیست و ...

اما ، دولتی که فرطاً نادره و سالی مبالغ هنگفت است  
 موقوف و مواجب هائیکه بر جبهه مرطبه منت خوارها  
 می رسد قطع خواهد گردید - و ازین امر مافع کثیره  
 بدواً باید خواهد شد - کلیه اصلاحاتیرا که مد نظر  
 در این برای دولت و ملت مفید است خداوند ما را  
 بهر استدرک خیر و شر خود - و امسای دولت را  
 دولت خوامی بخشد که از خیالات مقدسه ترقیه دهنده  
 اعلا حضرت شاهی بیرونی باشد این همه خیالات  
 که به حضرت اقدس شاهنشاهی را در آثار سابق داشته  
 و حال این الدوله در صدد احرائ آژن با امر ملوکا  
 مدم کرده بود

حاج میرزا محمد جان وکیل الدوله که سیده  
 ورتت رسائل را داشت مهجور و وزیر رسائل  
 صمیمانه تر شد عن حاج مستطاب وزیر الحکم گردید  
 حضرت اشرفی اعظم والا شاهزاده ظل السلطان  
 از شهرن وارد طهران گردیدند - بواب والا شاهزاده  
 حلال الدوله نیز از برد رونق امروز شد - حساب  
 علا الدوله در طاهرهای فارس بر وارد طهران شد - سایر  
 محکم ولایات نیز همه روزه رسیده و پیوسته گویا  
 حضرت اقدس والا ولیعهد گردون مهد در از تبریز  
 امروز تشریف بیاورید

افواه است که دولت روس سعی میبندد در  
 بدیل طای که از ایران دارد بموجب شرط نامه بمساحت  
 خود در بازار صرافان طایه سداب قروس سازد و  
 هرگز سع آرد - تاکنون این چه سمت رسمت پیدا  
 نکرده ولی در سفارت روس شهرتی سرا دارد هرگاه  
 ایرانیان در این سمت بر گم زده شیرهائیکه روس برای  
 فروش اشاعت خواهد داد اتباع مانند خیلی شده و  
 مراسم در آن صورت قرض خارجی دولت ایران تبدیل  
 سرس داخلی خواهند شد - و برای ملت و دولت ایران  
 هم مفید خواهد گردید ولی مشتی این است که ایرانیان  
 منقول هنوز ازین نکات سیاسی کمتر واقف می باشند  
 و نفع و ضرر شخصی و نوعی را کمتر می شناسند

و نیز شهرت داود که مطابق صاحب نامه ترکمان جای  
 هرگاه دولت روس را در وقت جنگ با دولت دیگر  
 ضرورتی پیش آید بمسارف او دولت ایران باید سی هزار  
 قشون در هر سرحد و سرکری که روس خواستگار  
 باشد برای جمع آن سرحد بگمارد - این ایام ننیده  
 میشود که دولت روس درس جنگ فائده ازین فصل  
 صاحب نامه حاصل نموده از دولت ایران خواستگار می  
 هرار قشون شده - گویا دولت هم حکم با حصار لشکر  
 داده که در طهران سان دیده تا بهر نقطه سرحدیکه  
 روس نخواهد گسیل بود مطابق است که این قشون را  
 در سرحد افغانستان ساخا و خواهد گذارد - چا شهرت  
 یافته امیر فغانستان در سرحد سیستان و ترکستان را بد  
 ضرورت بدرك لشکر دیده است

مور کبسیون سرحد بدی سیستان که از جانب  
 حرمت هند بسرحد افغانستان روانه نموده بحساب  
 هندوستان باز نگشته است گویا مور موقع پیش رفت  
 دادند و بیسله امر سرحد کمال رسیده است روسها بهر  
 خیلی بگران حرکات کبسیون انگلیس میباشد چون  
 امروز روس روس گرفتار جنگ اقصای شرقی است  
 است انگلیس برای انجام مقاصد خود سعی میبندد  
 شاهزاده سیسالار بواسطه کسالت مزاحمیکه دارد  
 گویا اجازه حاصل نموده که از طریق روسیه هم  
 بریارت خراسان مشرف شود و هم تبدیل آب و هوا  
 برای خود خود میبندد

آصف الدوله بحکومت خراسان نامزد شده و  
 شاهزاده رکن الدوله را طاب نموده اند  
 شاهزاده رکن الدوله از پشت طهران طاب  
 شده شهرت دارد که حکومت حکمیلانات مجدداً به  
 حاج ناصر الساطه سرور مرحت شده است

شاهزاده رکن الساطه نیز بفرمان حکومت کاشان طلب شدند  
 افواه است که در هر استان بعضی شیوخ جزه از  
 جاده اطاعت منحرف شده جناب معزالسلطنه سردار  
 و دهانه دلد شط العرب ناصر اولیای دولت بسرکوی  
 آنان اردوی منظم و نوب خانه مرتب مأمور شده اند



تکرافات

( ۱۵ محرم - ۲ اپریل )

§ زسنا در (توکو - و پتربرگ) خبر تمسلی جنگ بندر (آتر) که سی و یکم مارچ شده بود رسیده است  
 § ایرالبحر روس (الکس آف) تدارکات لارمه را در بندر (آتر) نموده کشتیهای جنگی را معاينه کرده  
 کپتان (بین - بویک - اسکولد) را شهید مرسع اعطا نموده است

§ کشتیهای جنگی روس از دریای (مدیترانه) حرکت بجانب دریای (بالیک) نموده اند

( ۱۶ محرم - ۳ اپریل )

§ افراه است دو هزار قشون سواره و پیاده روس در جانب جنوب (ویجو) مقام مزیع و حص حصینی را متصرف شده اند

§ این اکتها ظاهر شده که کشتیهای جنگی ژاپون وقتیکه بر بندر (ولادی و دسک) حمله نمودند چهارات جنگی روس موجود بوده این رو خود را بهمان ساختند که ناب حمله و جنگ با دشمن را بواسطه ضعف و قات خود و زیادتی و قوت دشمنی داشتند

§ مخبر (روتر) از (توکو) خبر میدهد که روسها جلوبندی ژاپون را در ساحل (لو) بدون قاعده تصور کرده بفر جلودگیری ژاپون در مقامهای مناسبه دیگر افتاده اند

§ مخبر (روتر) از (پتربرگ) خبر میدهد که يك فروند کشتی جنگی روس (زمینچنگ) در دریای (بالیک) خود بخود غرق شده این کشتی سازش بلتبی تصور شده برخی هم تکذیب این معنی را میبایند  
 § وزیر عالیة روس قصد آن نموده که پنج مایون منات سند اشتراک تعمیر راه آهن (تبر تا طهران) و (۱۱۸۷۵۰۰۰) منات برطاییکه از دولت ایران دارد بضاعت خود در بازار صرافان بمعرض بیع آرد

( ۱۷ محرم - ۴ اپریل )

§ مقام (سین سیان) را که چهل میل فاصله و در

جنوب (ویجو) است قشون ژاپون بدون مزاحمت و ممانعت قبضه اختیار خود آوردند

§ مخبر (روتر) از پای تحت کوریا (سیول) خبر میدهد که قشون سواره و پیاده ژاپون در (جانفو) رسیده که در آنجا تدارک دهنه بموان (سیول) حرکت نمایند

§ وقایع نگار طمس لندن (ویهاوی) خبر میدهد که یکی از سرداران ژاپون (کرراکس) نام بر اردوی مرتبی مستعد است که بهر جا هر مدام امر باید حرکت نماید - منتظر است باقی قشون ژاپون بر دو محقق شده بحرب مقصود حرکت نمایند

§ اردوی مرکزی روس پس (سپانک) و (میدانک) که در جنوب (هکدن) واقع است قائم گردیده

§ موجح خبریکه از پتربرگ رسیده (جنرال آنا ماف) با یاصد نفر قزاقهای روس (سان) را متصرف شده در کین اند که ژاپونیا ار (جانکو) حرکت نموده بر آنها حمله نمایند

§ مخبر (روتر) از شکای خبر میدهد که جاسومهای جنگی ژاپون امروز در (ویجو) رسیده بگویند لشکریان روس از آن طرف رودخانه (لو) تدارک اندک عت میروند

§ روزنامه (یوریمای) روس در ماده پیش قدمی روس بجانب تپ می نویسد که دولت انگلیس حرکت بسیار بزرگ جورانه نموده است در تصرف دولت انگلیس (لاسه) را گویا جمیع صوبه (منگولیا) را در اثر نفوذ خود آورده و در این بین مقاماتی میباشد که در قبضه اختیار روس است مسلماً حرکات انگلیس و صی است که رای روس مشکلات عظیم پیش خواهد آورد روزنامه (سویت) روس نیز ازین قبیل سخنان خیلی می براید

( ۱۸ محرم - ۵ اپریل )

§ خبر تازه که از (پتربرگ) رسیده تصدیق مینماید مامده حکومت کوریا را با دولت ژاپون

§ جماعت قوی در کوریا انجمن شده جنگ را میانی با استقلال خود تصور کرده میگویند هر قسم نباید بیلد شاهشاهی ژاپون را کوریا تسلیم نماید - ازین رو - ای اند که نوع به نواند ژاپون را از کوریا خارج کند

§ یکی از کشتیهای ووشک ژاپون که محاسوسی یوزاز بندر آرتر مشغول بود احساس نموده است رودخانه که سفای بزرگ میتواند در او عبور نماید به رصهض آن رودخانه یکصد وسی درع است تا سد آن نشود راه عبور و مرور جهازات در بندر آرتر نخواهد شد

§ مخیر (روتز) از (سیول) می نگارد که چهل و پنج هزار قشون ژاپون از سه راه محاسبت (امو - و ویمو) رهسپار گردیده اند گوشت خشک شده رمادی در (امو) آمده و برای هر حصه قشون بهر ار است مهیا شده است - ولی گوشت را به ترتیب صحیح رسانیده اند مظنون است که در هر سه شش ما خراب شود قشون از پروت و یخ خیلی در آزار و ادیت است

§ سردار ژاپونی (هیراس) که در تاریخ ۲۶ اردیبهشت نارنجک درسد آرتر قطعه قطعه شده بود قطعات جسد او را جمع نموده که در (توکيو) آورده نامر از واحترام تمام رساه دفن نموده روی سوگواری وطن خواهانه بایند -

§ اهالی کوریا که در (ویمو) رسیده طاهر میدارند که جز جماعت قبلی از قشون روس در ساحل (یلو) دیده نمیشوند

§ امیر البحر روس (الکس ای) وارد (مگدن) گردید § (مسیه امپلک آف) که رئیس راه های آهن اقصای شرق و قلا برای محاسبات با اعنسیای شورای روس وارد (پترسبرگ) شده طاهر میدارد که راه آهن اقصای شرق و ایستگاههای آن نزدیک است تکمیل شود در غرب (ارکس) همه روزه ده قطار راه آهن از جانب دریاچه (بیکال) با قشون و مسافرین به روسو در آمد و شداند (مسیه امپلک آف) تا بازده یوم دیگر از (پترسبرگ) برای تبادلک راه آهن اطراف دریاچه

(بیکال) حریک خواهم بود -  
(۱۹ صرم - ۱۹ اریلم)

§ سه سال اوروپس جنرل (کروپاتکین) خبر میدهد که در نوای (یلو) تا کنون امنیت برقرار است در (ویمو) بین قراولان روس و ژاپون جنگ خفنی شده شش نفر از ژاپونیان بدون آنکه بر لشکریان روس نقصانی وارد شود هلاک گردیده اند

§ در (یانکامو) اهالی سیورسات خاچه روس را غارت کرده آتش زده اند

§ مخیر (روتز) خبر میدهد که سه سالار روس جنرل (کروپاتکین) در (سیوجانک) وارد شده سان قشون را ملاحظه نموده میگویند قشون روس برای حلانیک درین ایام خواهد شد آماده و مستعد اند

§ مخیر (روتز) از (سیول) خبر میدهد که در سونیه (چیلادو) بلوا نموده در شهر ریخته حکومت (سیکوریا) اهالی را آماده نموده که از دولت ژاپون تأیید و کمک طلب نمایند

§ تعمیر راه آهن دوره دریاچه (بیکال) را روسها شروع نموده اند

§ تاگرافی از پترسبرگ رسیده که کشف (دیوک الکسی) را دره بوش میدانند - که ما دسته کشتیهای جنگی روس در ماه جون وارد در میدان جنگ اقصیای شرقی نمایند و در این ماده هر خدائشهای بی شمار فرستاده اند

§ راه های (تائین - و ما کوشان) که در جنوب (منجوریا) واقع است برای عبور لشکر با تمام رسیده و خوب نیز در هر جا مناسب دیده نصب نموده اند و نیز راهی در بین (ایطانک - و تنگوانجنگ) ساخته شده این راه ها همه متصل می شوند به (مگدن) که مرکز جنگی قرار یافته و توپهای بزرگ برای حفظ حصار (مگدن) نصب شده است

§ در حوزه سپاسپون پاریس شهرت دارد که مسائل متنازع فیه فرانس و انگلیس دوستانه تصفه شده است

§ در اخبار رسمی دولت روس در (پترسبرگ)

حرب را در ( نیوجوانگ ) قرار دهد و قبل از آنکه در رودخانه ( یلو ) ژاپون عبور باید اورا به حملات چند مشغول دارد

§ شرایط نامه فرانس و انگلیس صده رسیده

§ قوسل حیرل ژاپون در لندن قسط اول از دست اجانه ضعیف برای ارامل و اتمام لشکران ژاپونی مار نموده بود یارده هرار ابرا فرستاده است

§ اردوی کاملی در هیچساک تشکیل یافته که هرگاه قشون ژاپول در خلیج ( سیانانگ ) فرود آمده حلو گیری آنان را بماند

( ۲۲ محرم - ۹ اپریل )

§ بواسطه سران مرضیکه در ( هارن ) شده اهالی بندر آرتر و آن نواحی شوشند

§ خبر ( روتر ) از ( بیول ) خبر میدهد که خارج شدن قشون روس از رودخانه ( یلو ) و تصرف نمودن ژاپون جمیع سرحدات را رسماً اعلان داده اند - دولت ژاپون از حکومت ( کوریا ) خواستش نموده که فوراً تصمیة مزد عملکاران نموده برای تعمیر راه آهن ( سیول پوشان ) لشاب تمام کسبل دارد

( ۲۳ محرم - ۱۰ اپریل )

§ ( گریگورو وریخ ) کپتان چهار جنگی دارویج را دواب روس حکمرانی بندر ( آرتر ) منتحب ساخت

§ خبر ( روتر ) از ( نیوجوانگ ) خبر میدهد که مستحفظین قلعه مدارک میباید تا حمله را که ژاپونیان مدطر دارند حلوگیری کنند

§ دیروز در نیوجوانگ بواسطه شایکیکه بی خبر از قلعه شد اهالی را خوف و هراس پیش آمد - مستحفظین قلعه نشانیکه در محل کمرک ماند و اندازه آب رودخانه را مینمود علامت کشتیهای دشمن تصور کرده بر کشتیهای تجاری شلیک نمودند - در نیوجوانگ ادارات تجاری مسدود و غالب تجار از شهر خارج می شوند

( ۲۴ محرم - ۱۱ اپریل )

§ تلگرافی از ( تفلیس ) در ( پترزبرگ ) اشاعت یافته که

جنین اشاعت یافته که دولت روس برای تصارت جنگ لازم آمده که مبلغی هنگفت در اختیارش آمده دارد جمیع ارباب مسافران جنگ را با ملاحظه تمهیدات راه های آهن جنگی سیزده میلیون استرلینگ لازم شمرده است که برای جنگ در خزانه موجود گذارد

§ خبر ( روتر ) از ( توکیو ) خبر میدهد که کشتیهای تجارتی ژاپون با غایت سهولت بدون هیچ مانعی در رودخانه ( یلو ) بشور و فرکور مشغول اند و در هر قطعه ( کوریا ) میتواند سرعت قشون خود را برساند - مع ذلك مراعی احتیاط بمیت کشتیهای تجارتی کشتیهای جنگی او نیز در حرکت اند

§ پادشاه اسپانیا اعلیحضرت ( امین ) برای سیر و تفریح در وراج ( لونی ) دیروز وارد ( بارسیلویا ) شده این مقام مشهور است که اهالی آن همه جمهوری طلب و آزاد خیال اند - در حینیکه پادشاه برای ملاحظه مزدوران حرکت کرد تاریکی در جلو ایشان ترکیده دو نفر را مجروح ساخت - ولی پادشاه را هیچگونه آسیب رساید - يك ضرر از زمین تکبیر گرفتار شد - امروز عمدا پادشاه با کمال قوت قلب بی عملیات آمد - از حال آنها استفسار کرده آزادانه با آنان صحبت فرموده در هر قطعه اهالی مهربانانه را از ایشان نمودند

( ۲۵ محرم - ۹ اپریل )

§ دیروز در بندر ( آرتر ) اهالی به توبه عید ملی مشغول بوده یناگاه خوف بجهت خصم بر آنها طاری شد و نزدیک بود عیش شان منقض گردد - ولی با آرامی و امنیت گذشت

§ اردوی سیاستبول روس را دولت مشارالها دو حصه نموده حصه را در بندر ( آرتر ) و ( ولادی ووستک ) فرستاده و حصه دیگر را در دریای ( بالتیک ) کسبل داشته است

§ خبر ( روتر ) از ( پترزبرگ ) خبر میدهد که ( جنرال کروپاتکین ) سپهسالار روس در اقصای شرق قلعه جنگ با ژاپون را جنین کشیده که میدان شرمگزی

جناب علامه الدوله فرمانفرمای فارس بفرمایند اینک در کتبی  
فرمانفرمای مند را استقبال فرموده و بمنزول گردید -  
( این خبر افواهیست که چهار ماه قبل نظر سیاست  
خود جراند انگلیسی اشاعت دادند از صحت و بقیه آن  
تا کنون خبری نرسیده علامه دوله نیز مثل سایر حکام  
در طهران طاب شده مرگام تبدیل حکومت ایشان  
شود در روی مصلحت ملک داری است نه لزام )

کشیهای جنگی چین از نیوجوانگ عیضو  
رسیده بیان نموده که هشت فروند کشتیهای جنگی روس  
در ده فرسخی بندر آرتر اورا گرفته تدارک و تلافی  
مودند

( ۲۵ محرم - ۱۲ اپریل )

کشی از افسران سکاکیس در ضمن بیان واقعات  
خداک جیافو اظهار داشته که از یکصد و پنجاه  
سپهانیکه در کشتی (واربک) بود چهل و دو مقتول  
و شست و هشت غرمح گردیدند

کشی (روز) از پتسبرگ خبر میدهد که دولت  
روس اعتراضی سحت رد دولت چین نموده که چرا  
افسران جانی زیری در فواج او مستخدمند - و این  
نکته سبب پیش رفت مفاصده ژاپون در منچوریا تواند  
گردید

( ۲۶ محرم - ۱۳ اپریل )

کشی (ژو پانکن) خبر میدهد که در شب  
هشتم شهر حال جماعتی از فوج سریم الشایک روس از  
رود خانه (نو) عبور نموده نزدیک (ویجو) جاسوسان  
ژاپونی که در کشتیهای کوچک بودند با آنها رسیده  
همه را بقتل رسانیدند و سپاهیان روس را هیچ صدمه  
نرسید - جاسوسان ژاپون بعضی هدف گلوله و  
جماعتی از نیزه سرتنگ کشته شده و چند نفر هم  
غرق گردیدند - در تاریخ نهم ژاپونیا در (ویجو)  
بیرون خود را فرود آورده سوار کشتی شده حرکت  
کردند

کشی فرود چهار جنگی روس که تعاقب از کشتی  
های جاسوسان ژاپون مینمودند کشتی آنان را غرق  
نمودند اهالی کشتی با آعلاک شدند - در این بین یک نفر  
جاسوس روسی نیز بقتل رسید

کشی (روتز) از (توکیو) خبر میدهد که از طرف  
بشار آرتر قبل از آفتاب صدهای شایک سنجی نگوشه  
میرسید

کشی جنگی روس (اسیبکی) از بندر آرتر بخارج  
گردید  
کشی اشاعت یافته که یوم یکشنبه در رودخانه  
(یلو) بین کشتیهای جنگی روس و ژاپون جنگی واقع  
و یک نیم ساعت بطول انجامید در این میدان  
ژاپونیا را هیچگونه نقصانی نرسید

کشی (پتسبرگ) رسیده جهاز جنگی  
زره پوش روس (بیروباژلوست) در قرب بندر آرتر  
غرق شده فقط چهار افسر بحری او نجات یافتند که  
من جمله (سکرند دوک سیرل) است که عروج  
میباشد - ازین خبر جنان مستفاد می شود که جنگی  
سخت در قرب بندر آرتر واقع شده و روس را  
شکستی بسیار عظیم رسیده افواه است که سپهسالار  
دریانی و امیرالبحر بزرگ روس (مگروف) نیز اسیر  
دست دشمن شد

کشی امیرالبحر بزرگ روس (مگروف) که سپهسالار قدون  
بحری بود در کشتی (بیروباژلوست) غرق شده است  
کشی (روتز) از (پتسبرگ) خبر میدهد که  
تلگرافیک از (جینو) رسیده اظهار میدارد که حدوداً  
چند کشتی ژاپون علی الصبح بحالت بندر آرتر حمله  
نموده جمیع کشتیهای جنگی روس بجانب آنها حمله ور  
آمد، از قلمه نیز مدد به آنها رسیده کشتیهای ژاپون  
عقب نشستند ادا بشهر در این حمله ششم کشتی  
نرسید - ولی نقصانی که بکشتیها رسیده و صدمه که یافته  
زده اند ذکر نشده است

جبل المتین ملکتہ

(مدیکل کالج استریت نمبر ۴)

کلیه امور اداره با

مدیر کل مؤید الاسلام است

منتظم اداره

آقا محمدجواد شیرازی است

هر دو شنبه طبع

وسه شنبه توزیع میشود

بتاریخ دو شنبه

(۸ صفر ۱۳۲۲ هجری)

مصادف با

روزنامه مقدس

قیمت اشتراک

(سالانه شش ماهه)

هند ۵ پرمه

۱۲ روپه ۷ روپه

ایران و افغانستان

۴۰ فران ۵ فران

سماں و مصر

(۵ مجدی - ۳ مجدی)

اروپا و چین

(۳۰ فرانک ۱۷ فرانک)

روس - و ترکیه

(۲۵ اپریل ۱۹۰۴ میلادی) (خریداران باید قیمت احوال را باحدی تمام کنند) (۱۰۰ مانات ۶ مانات)

# کابلین

سنه ۱۳۱۱

قول در باب بودن قصص اداره

در این خبرده از هر کوه علوم و وقایع سیاسی و احوال و اولاد و ... بحث میشود  
موضوع مراسلات عام الامم و قبول و در انتشارش از آراء آزاد است

## فهرست مندرجات

- سیاسی \* تاگرافات \* سرطانه \* عدت احباب
- اقتصادی \* داستان روسها \* اصلاح \* رفیقات
- عبرالقول فرقه سده \* مکتوب بی از مصرین \*
- مکتوب یکی از عبرتدان \* حکایت اقصای شرق \*
- مکتوب یکی از ارباب عبرت \* طرح عریضه است
- بحاکبای مارک شاهنشاه شهید سی سال قبل عریض
- شده بود \* بلاتکلیف \* اسامی \* حمل الامن \* بی \*
- بقیه تاگرافات \*

## سیاسی

اقدامات حیرت آفرین و حرکات دلبرانه ژاپن که در  
از اینکه دولت روس را در اقصای شرق دچار وحشت  
و گرفتار خسارات عظیمه نموده - جمیع دولت های  
حاضره در این فرانس و انگلیس را سرنگون کرد  
بدهان نهاده است - چه هیچ يك دولت معر - تا این  
درجه در مقاله تا روس بشرف ژاپن را محط رحله  
معدادد - اقتدار بحری ژاپن تا اندازه جمیع دولت های  
مناقص اقصای شرق چشم دوخته بوحشت انداخته است  
یکی از رجال با سیاست انگلستان را بیان این است

لها و مدینه فقط دولت معرب بد چشمه ارحم  
مناقص قضای شقی میباشد - بلکه شقی باید ملاک  
ترقیات سریع السیر ژاپن در آنک طالع وح جانیه اند  
بر حساب حسد آسایش خواهد بود و هر  
که ملی آسایشی اول ثانی ترقی یافته و بی  
قومیت و مایه خود بودند به دست معر  
تصرفات مشرق قریب خواهد بود - بلکه چه  
مال اقوام آسیا در ۹۰ - ۱۰۰ سمیت طالع رقابتی  
جمع سکندر ارض داشته و بی ثوابند گذشت که حشرات  
و مقام ولیا خود را مجرد حاصل خواهد بود  
آسیان که چکیده آن نمانده شد  
ملک و کبریت روس و سمد طبعی دولت تمدن  
بر این حصص حمله ارض معر درند ترقیات  
عبرالقول قوم و قرب و حیثی ژاپن که تا چند سال  
قبل برای اقوام معر و ... حیثی دردن دانای  
مشهور بود بر طاعت دو تکلیف استوار هم را نمود  
ول و روس مشهور سمد قضای اهلی آورد  
قول تمدن - ح ترقی تیره دولت مرگ در عرصه  
سال نمودند ژاپن در بی سال کرده با درجه  
بر آنها نیز تقدم هستند  
دیگر شایسته تصورات دور اندیشه سیاسیون فرنگی

مزمع ساخت - وقفه هائیکه برای پیش رفت مقاصد خود در قرون آتیه کشیده و می کشیدند همه را ماطل و باطل نمود - قبل از این سیاسیون فرنگ تخمها می باسیدند که پس از قری حاصل او را بدروند - ژاپون برطالیان ظاهر داشت که اربن و بعد تصورات دوراندیشاه چندان مثر ثمر نتواندشد - و در يك قرن که عبارت از می سال باشد تغییرات و تبدیلاتی در اقوام و ملل بروز میباید که فوق تصورات سیاسیه آنها بوده است دولت ژاپون تا اندازه قوای بحری روس را بدون آنکه دچار خساره عظیمی شود قلع و قمع و زبر و زبر نمود - تصور فتوحات بحری را از سر روسیان بدر کرد - و در این جنگ های اخیره مسلم جهانیان داشت که دولت روس مدیدار شاهد فتح در دریای اقصای شرق نائل نتواند گردید - گویا ژاپون تا امروز نصف مبدار را فتح نموده - مسأله قبل از اینکه نوبت به جنگ بری رسد دولت مشارالها جمیع مراکز بحری اقصای شرق را که امروزه در قبضه روس است متصرف خواهد گردید - و چون بدین مهام نائل آید ولو آنکه در خشکی شکست هم بیند چون دریا را قبضه اختیار خود دارد دولت روس را پریشان و سلسله خواهد ساخت

بارها نوشته باره مینویسیم که چون جنگ روس و ژاپون در میزان اعتدال نیست و هرگاه مقابله بشه با میل نگویم منازعه طلی زبرک با جوانی قوی هیکل صاحب تجربه باید تصور نمود - اربن رو فتوحات اولیه ژاپون نمیتوان خوشی آخر شاهنامه تصور کرد - فتوحات اهالی غیور ترنسوال تا یکسال محیر العقول تر از فتوحات ژاپون بود - و اگر دولت ژاپون را تا آخر میدان فتح نصب آید باید تصدیق کنیم (عموری دهد مالش نشیر)

یکی از جراثید آلمان می نویسد که دولت روس هرگاه بستی رتبه و شکست مقام خود را تصور نمی کرد تسلیم مقاصد ژاپون را نموده از در صلح بیرون می آمد - ولی امروز هرگاه اقدام صلح کند جمیع دول خصوصاً دولت انگلیس که رفیب بزنگ او در آسیاست بروی جیره شده آن رعب و میبیتی که در قلوب جمیع دول با زحمت زیاد حاصل نموده یک مرتبه معدوم خواهدشد - دولت روس منتظر است که در خشکی جنگی پیش آمده شاد در يك میدان فتنی پایان نموده از آن بعد از در صلح

سخن گوید - تا مورث سر شکستگی لشیر صلح مساوات شود - چرا که دولت روس قوای جنگی و پولی ژاپونرا نیکو احساس نموده که تا در زمان میتواند در اقصای شرق جنگ را قائم گذارد - و این مسئله نیز تصدیق یافته که خزانه روس تا در باز تاب تحمل مصارف هنگفت جنگ را در فاصله چهارمیل ندارد قتل سپهسالار بزرگ بحری روس امیرالبحر (مکروف) زاید بر آنچه تصور شود بر روسیان اثر کرد - و رعب و هیبت ژاپونیان را در قلوب لشکریان روس جای داد - امیرالبحر (مکروف) از سرداران بزرگ نامی و گرامی روس بود - و مقام و مرتبه اش نزد ملت و دولت روس نالی (حتول کرویاتکن) و اول درجه سردار دریائی بشمار میرفت - قتل این سردار عظیم الشان غلظه و ولوله عیبی در روسیان اداخته است - موقتاً بمهده سردار مقتول امیرالبحر (الکس اف) که فرمانفرمای مطلق صوبجات اقصای شرق روس است منتحب گردید - با اینکه تا کنون خساره مالی روس درین جنگ از شکست و غرق و بریادی جهازات جنگی و صرف خزانه و غیره زاید بر حد بیان است ولی خساره که از قتل این سردار بزرگ روس رسیده بیش از خساره مالی او بشمار میآوردند آنچه به تحقیق پیوسته دولت چین در همراهی بژاپون معاهده مخفیانه بسته و هرگاه در جنگ بری يك میدانرا ژاپون به برد - اهالی منچوریا را مخفیانه بشورش خواهد برانگیخت - دولت چین این نکته را نیکو دانسته که اتفاق با ژاپون مورث ترقیات سریعه او تواند شد - بقول یکی از سیاسیون فرانس پس از ختام جنگ اقصای شرق دولت چین در جلب اعتلاء مدارج خویش با ژاپون اتحاد نموده از ترقیات محیر العقول دولت مشارالها تقلید کرده زمان نخواهد گذشت که این دو دولت از قومیت و اتحاد و ملیت خویش منافع کثیر برداشته نه فقط خویشتن را از دست برد اجانب محبت خواهندداد - بلکه ترقیات آمان ولوله در اروپائیان خواهد اداخت - و علو مراتب شان بر جمیع اهالی آسیا اثرات نامه خواهد بخشید یکی از دانایان امریکا میگوید سه قرن کامل ترقیات اروپائیان در عالم درجه کمال یافت - این قرن نوبت آسیائیان است که در میدان ترقی اروپائیانرا محو موات نمایند - چه زمانه جمیع اسباب ترقی برای طالبین خود از هر قوم و ملت

بالشوه متبیه نموده جهت اسباب طبیعی آسیایان برای ترقی نسبت با ژاپونیاں مهیا تراست. چه اهالی اروپا در بیشتر امور زندگی محتاج بخارج اند. و برعکس اهالی آسیا همیشه بای بدامنه ترقی نهند در اسباب معاش خود اینها محتاج بخارج نیستند

آن ضرور و نحوئیکه روسیان را در آغاز جنگ بود تا درجه کم شده. و برنی از سرداران مصف روس تسلیم مینمایند که دولت روسیه از دیرباز بجنکی بدین عظمت دچار نگردیده. و با خصمی بدین استعداد و تمدن و دانش و جرئت و دلاوری رو برو نشده بود. و هرگاه دولت روس بدین پایه از تمدن و قوای بحری و عظمت استعداد ژاپون واقف بودی - هراینه بدین زودی و بدین سهل انگاری تن بجنک او در ندادی -

این نکات ظاهر میدارد که عظمت و رعب ژاپونیاں تا اندازه قلوب روسیان را تسحر و احاطه نموده است بموجب اعلانیکه (جنول کروباتنک) سپهسالار کل قشون بری روس داده سیصد هزار لشکر در مطنچوریا برای جنگ ژاپون موحود است و این اندازه لشکریانرا برای جواب ژاپون کافی تصور میکند. ولی این سخن با قرائن خارجی درست بیاید موعده جنگ بری نیز عنقریب پیش خواهد آمد باید دید که گوی را که ازین میدان بریاید

استغفای امیرالبحر (الکس اف) اگر قرون تصواب باشد و دوات روس قبول نماید خیلی مایه بشرفت ژاپونیاں است چه (الکس اف) تجربه کامل در معاملات اقصای شرق دارد. و هرکس بمقام او مقرر شود تا تجربه او را حاصل کند ژاپونیاں کار را از پیش خواهند برد. ولی از قرائن خارجه چنان مستفاد میشود که چون (الکس اف) میداد میدان ساحت و دشمن قوی و کاری از پیش نمیتواند برد هر قسم هست استغفای خود را بدولت متبوعه خویش خواهد قبولانید یکی از جرائد انگلیسی مینویسد که غیرت و حیت ژاپونیاں و اتحاد و اتفاق این ملت و دولت میباشد که با این صفات مقدمه که داهی فتح و نصرت است دولت ژاپون درین میدان مقضی المرام خواهد گردید چه بمجرد شهرت این خبر مکنه دولت روس تا یک میلیون قشون برای جنگ ژاپون در اقصای شرق

گسیل خواهد داشت مات ژاپون سپهجان آمده بغیرت برخاسته متصل در اداره جنگ نام خود را ثبت دفتر قشون دو طلب مینمایند. چنانچه تا کنور ژاید بر پانصد هزار کس برای شرکت در جنگ نام خود را درج و در قشون دو طلب شامل شده. جمیع سرداران و سپاهیانیکه مدت خدمتشان منقضى گردیده مجدداً نام خود را برای شرکت در جنگ در دفتر قشون دو طلب شامل موده اند امروز دولت ژاپون رو پهرفته قادر است که يك و نیم مایون قشون میدان جنگ آورد با این همه نمیتوان گمت که عاقبت میدان جنگ بکام کدام يك از دولتین متنازعین - شود آنچه ما و دیگران مینویسیم فقط ظنیاتی میباشد که از بروز حادثات موحوده و ظهور واقعات مشهوره استنباط میشود

تاکرافات

۲۶ محرم ۱۳۲۲ - ۱۳ اپریل ۱۹۰۴

بموجب خبریکه در (پترسبرگ) رسیده کشتی جنگی زره پوش روس (پتروپاولوسکی) غرق شده. ولی در ماده چگونگی غرق شدن سپهسالار بحری روس امیرالبحر (مکروف) و همراهش اطلاعی حاصل نیست فقط بیست نفر از جهاز مذکور جان سلامت برده اند (گرونددیوک سرل) نیز جراحت سحقی یافته است

از تلگراف (پترسبرگ) طعمر می شود که چند فروند کشتیهای جنگی ژاپون در بواسی بندر (آرتور) نمایان گردید. دسته از کشتیهای جنگی روس در مقابل آنان آمده طاهرا دشمن فرار کرده آنها به اعاقدشان پرداختند. چون اندکی دور شدند ۲۹ فروند جهازات جنگی ژاپون ملحق با آنها شده سرداران بحری روس از مشاهده اینحال دست پا چه گردیده عودت نمودند. در حین باز گشت کشتی جنگی زره پوش (پتروپاولوسکی) بسرنگ دریائی مکه ژاپونیاں قبل از وقت تعبیه نموده بودند مصادم گردیده پاش پاش شد. کپتان جهاز و پیچ افسر و سی و دو سپاهیان را مجروح یافتند و هفده تن هم تا کنون بدست روسیان آمده است

دسته از کشتیهای جنگی ژاپون در (لیاوتوشان) نمودارند

اعلیحضرت امپراطور روس لغزیه نامه متواتره بزوجته امیرالبحر (مکروف) فرستاده عذری برام

مذهبی و طلب مغفرت این سردار بزرگ را در کلیسای  
بحری (بترسبرگ) خواهند نمود

§ خبر (روتر) از (توکيو) خبر میدهد - رسماً اشاعت  
یافت که جماعتی از سپاهیان روس در ساحل رودخانه  
(یلو) از طرف غربی (ویجو) عبور نموده - و  
اشکریان ژاپونی آنها را تعاقب کرده پیست و دوتفرشان  
را بقتل رسانیده بقیه فرار نموده اند - معلوم می شود  
که چند دسته قشون روس اراده فرود آمدن بمسلمات  
مختابه داشته ژاپونیان راه را بر آنها سد کرده اند  
( ۲۷ محرم - ۱۴ اپریل )

§ (اسیکل) نام چهار انگلیسی در (ویوهای وی) در  
رسیده بیان مینماید - که علی الصبح پنج کشتیهای جنگی  
ژاپون بر راه رکشی جنگی روس (بیارن) در بندر  
(آرتھر) گرفته کشتیهای جنگی روس که من جمله (آسکولد)  
بود به مدد کشتی (بیارن) آمده خود را به بناء قلعه  
رسانیدند در این گیرودار بر کشتی (بیارن) بسیار صدمه  
رسید ساعت هشت و پانزده دقیقه صبح کشتیهای ژاپون  
در عرض دوازده دقیقه بر بندر (آرتھر) شلیک نموده  
از قلعه اندا جواب به آنها داده شد

§ آنچه محقق است هفتصد و بیجاه سردار و سپاه بر  
کشتی (پتروپاولوسکی) سوار بودند و حر چند نفر معرود  
هم غرق گردیدند

§ چون سپهسالار کل قشون بحری روس امیرالبحر  
(مکروف) غرق گردید - موقتاً فرمانفرمای صوبجات  
اقصای شرق امیرالبحر (الکس اف) بسپهسالاری کل  
قشون بحری روس منتخف شده است

§ اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس روس در ادای  
مراسم مذهبی و طالب مغفرت برای امیرالبحر (مکروف)  
در کلیسا آمده علیا حضرت امپراطریس در این مصیبت  
عظمی اشک بر بودند تمام اهالی (بترسبرگ) عزاداران دایب  
سرور موقوف و پاشا خانهها موقتاً مسدود گردیده است  
§ در (بترسبرگ) رسماً تصدیق شده که کشتیهای  
جنگی ژاپون چهار جنگی روس (پتراشنی) را  
غرق نموده چهار کشتیهای موشک روس نیز باسرنگ  
دریانی مصادم شده قابل حرکت و انتفاع نمیشاند

( ۲۸ محرم - ۱۵ اپریل )

§ رسماً دولت روس خبر میدهد که یوم چهارشنبه

دره یان کشتیهای جنگی روس و ژاپون جنگی سخت واقع و  
در این جنگ هفت کشتی موشک روس و کشتی جنگی  
(بیارن) وغیره شامل بودند - کشتی زره پوش روس  
(پتراشنی) غرق و سائر کشتیها عقب نشینند -  
در حین کشتیهای طرفین مقابل نکدیگر شدند کشتی جنگی  
روس (پتراشنی) از دریا باند شده پاش پاش گردید  
معلوم نیست باسرنگ دریا مصادم شده و یا کشتی  
موشک ژاپون او را غرق ساخته است

§ ارواشکتن خبر رسیده که دولت روس رسماً اعلان  
داده که هر يك از رطابای خارجه که با تلگراف بیسیم  
مخاره کند و گرفتار شود جاسوس شناخته شده حکم  
قتلش صادر خواهد شد

§ حرقی در عمارت دولتی (سیول) واقع شده  
بادشاه و بستگانش جان سلامت بردند عمارت  
بحری فراسه آتش را خودگی بخشیده اند

§ جناب مستطاب اجل اکرم آقای علاءالسطاه  
سفیر دولت عالیته ایران در لندن رسماً خبر معزولی جناب  
مستطاب اجل اکرم آقای علاءالدوله فرمانفرمای فارس  
را که بحر (روتر) بعات عدم پذیرائی حکومت هند در  
بندر بوشهر از بترسبرگ و تقییس خبر داده بود تردید  
فرموده اند

( ۲۹ محرم - ۱۶ اپریل )

§ امیرالبحر (الکس اف) خبر میدهد که کشتیهای  
جنگی ژاپون یوم جمعه مجدداً حمله بر بندر آرتھر نموده  
یکصد و هفتاد و پنج گلوله بر شهر و قلعه شلیک کردند  
اشکریان روس نیز آنها را جواب دادند بر کشتیهای روس  
دوین حمله نقصانی وارد نیامد فقط ده نفر در ساحل  
مقتول و پنج نفر مجروح گردیدند

§ مجدداً در مغرب افریقا جنگی بین قشون آلمان و  
بلوآشیان شده دو افسر و شش نفر سپاه (آلمانی)  
بقتل رسیده و يك افسر و دوازده سربازان او مجروح  
گردیدند - تا کنون از آلمانیان پانزده افسر و هشتاد و  
يك سرباز مقتول و ده سردار و ۵۹ سپاه مجروح  
شده اند

§ سرمایه سعادت هیئت اجتماعیه

«حصول اتحاد و اتفاق»

شرط بروز اتفاق وجود مساوات در میان افراد



است. زیرا اتحاد امریست اختیاری. پس باید دانست در میان افرادی که با آنان از آزادی بهره و نصیبی داده شده. و در مسائل ضرر و نفع وطن که باید بخود آنهاست باستحصال رأی آنان اعتنا نگردد. آرزوی اتحاد و اتفاق عبت است. از قضایای مذکوره واضح و مبرهن میگردد که وجود اتحاد و اتفاق بسته بوجود آزادی مشروع و مساوات تامه است.

لذا برخلاف مقاصد مدهائین دین و دولت که محرب ملک و ملتند و محض اغراض نفسانی اصول استبداد را با هزاران دلایل مجروحه میستایند. بی پروا با آواز بلند میگوئیم که در هر مملکت اصول مسئولیت اختیار نشود و شرط حریت و مساوات مشروع مرعی نیاید حصول اتفاق امریست محال و بایندهی آن دولت بی وجود اتفاق و اتحاد هیئت اجتماعی محال اندر محال است نخستین نمره اصول مسئولیت حصول اتفاق است اعلان شرایط مسئولیت مانند ندای آسمانی و الهام سبحانی هیئت مایه را بیدان اتحاد و اتفاق گرد میآورد و جمیع افراد ملت ادعای خصوصی خود را که محض حفظ شرف و ناموس و مال ماده پناه بردن باین و آن قرارداد. مانند جامه نازیبا چرکین از تن بدو بدور خواهند افکند. و تماماً متخراً نام بلند ملیت را جهت خود منهای سعادت خواهند شمرد.

عدم مسئولیت است که در میان هیئت اجتماعی ملت تفرقه می اندازد. استبداد است که دولت را از ملت و ملت را از دولت بیگانه و بد دل میسازد. همینکه قانون مسئولیت که اس اساس قوانین شرع بین است پذیرفته آید آنانکه با دیده بغض و خصومت و عدم امنیت بینگردد فوراً تبدیل افکار آشکار و در دفع مصائب بطوری دست بدست داده سپر خواهند نمود که گویا دست آنان از روز ازل با جمل متین بهم پیوسته. و بد قدرت سینه آنها را از آهن و چگرتشان با این فولاد ترکیب داده. و در اطراف منابع

وطن که تا امروز دست خوش یگانه و بیگانه بوده قلمه های روئین تشکیل خواهند داد. همگی افراد ملت گرد آمده و در راه محافظه حقوق وطن و شئون دولت به فدای سر و جان آماده و هم بیان خواهند گردید. و به پیشگاه و اینصفت خود از احسان نعمت حریت مشروعه و بصورت وزراء از اجرای فرمان خدا پسندانه شهیار عادل عرض تشکرها خواهند نمود.

باید دانست ثمر و نتیجه اتفاق و اتحاد ملت بختیاری دولت و سعادت وطن مقدس است. و بحض اعلان قانون مسئولیت اثرش بروز مینماید.

اگر فهمها کنند و مقیم باشد با ابدک تأمل معاینه و مشرود میآید که اصول مسئولیت مانند قوه کهربائی در میان هیئت اجتماعی اتفاق و اتحاد را جاری و نفرت و نفاق را منع و محو مینماید. و امروز دولت و ملت محتاج است فقط بیک اتفاق حقیقی صمیمی که هیچ چیز او را دعوت و موجود نمیتواند کرد مگر قانون مسئولیت و اجرای قوانین شرمات و حریت مشروعه ملت.

واضح و مبرهن است اگر در میان هیئت اجتماعی هر ملت و دولت اتفاق و اتحاد حاصل شود نه از دشمن داخلی اندیشه و نه از خصم خارجی دهشت و وحشت خواهند داشت. زیرا همی که عموم آگاه شدند که در همه چیز وطن از خیر و شر و نفع و ضرر مشترك و جله از نیک و بد حصه مندند. در راه محافظه وطن و منافع مشترک یکدل و همدست و بطور جالسپارانه خواهند کوشید. آرزوی هیئت اجتماعی جز آرزوی مساوات مشروعه نبوده و نیست.

نویسند از انحراف گناهی برکن

چون اراده خداوندی بحریت و مساوات در میان مسلمانان علاقه گرفته. و بحکم محکم شریعت عموم دوطلب این مایه سعادت اند. لذا هر آنکو در آرزوی بدست آوردن این نعمت عظمی و موهبت کبری که حضرت و ام المصطفی خاصه این فرقه نموده نباشد آدم